

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۳۸ / سال چهاردهم / آبان ۱۴۰۳ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



همسان سازی حقوق بازنشستگان

“اجرای همسان سازی، بدون حقه بازی”



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آآور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۳۸ / سال چهاردهم / آبان ۱۴۰۳ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۲

نه به جنگ، شعار صنفی است! ص ۱۸

مافیای علیه کارگران! ص ۲۰

کارگران حافظ منافع ملی! ص ۲۱

دست بوس نمی خواهیم، قانون را رعایت کنید! ص ۲۲

تامین اجتماعی حامی کارفرمایان! ص ۲۳

نئولیبرالیسم یعنی بی قانونی محض! ص ۲۳

دست های ناباک از تامین اجتماعی کوتاه! ص ۲۵

یکشنبه های اعتراض در فضای جنگی! ص ۲۶

حقه بازی با همسان سازی! ص ۳۱

واکش به فروش نان ۱۰۰ هزار تومانی ص ۳۲

نگاهی اجمالی به دلیل های افزایش حوادث ناشی از کار ص ۳۳

مصاحبه بازنشستگان متحد تهران با خبرگزاری ایلنا ص ۳۵

سکوت در مقابل گرانی ها! ص ۴۳

گزارش مالی کانون های بازنشستگان تامین اجتماعی! ص ۴۵

غارت اندوخته های زحمتمشان!! ص ۴۶

این گونه تامین اجتماعی را ورشکسته می کنند!! ص ۴۷

خدمات تامین اجتماعی در خدمت ثروتمندان! ص ۴۸

جان باختن عادی ترین موضوع در غزه! ص ۴۹

نمی دانم چه کسی وطن را فروخت!! ص ۵۰

برنامه نهاد سندیکایی و مدنی در برابر روایت های زهر آئین و سمی ص ۵۱

جامعه استبدادی یا ما چه می کند؟ ص ۵۲

چرا کشتگران در بدترین شرایط اجتماعی به مطالبه گری ادامه می دهند؟ ص ۵۳

ادبیات کارگری ایران- ۴ ص ۵۴

بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی! (۳) ص ۶۳

هیات تحریریه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران برای اطلاع از دیدگاههای

ما می توانید به سایت دو زیانه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com

و کانال رسمی سندیکا در تلگرام به آدرس @کانال رسمی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

مراجعه کنید.

پیام سندیکا
پیام آآور سندیکاهای کارگری ایران
شماره شانزدهم / آبان ۱۳۹۰ / نشریه سندیکای کارگری ایران
همسان سازی حقوق بازنشستگان
اجرای همسان سازی، بدون حقه بازی

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰ / چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

خواهان آزادی مهدی توکلی هستیم!



مهدی توکلی کارگر پروژه ای و متخصص رنگ و عایق در پروژه های نفت و گاز که به دلیل فعالیت در کمپین های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ از چهره های شناخته شده سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران است، در زندان شهرکرد اصفهان نزدیک دو سال زندانی است.

حکم اولیه او که به صورت ناعادلانه برایش حکم مرگ به همراه داشت با تقاضای تجدید نظر و فعالیت سندیکا شکسته شد و هم اکنون حکمی سبک برایش منظور شده و برای تایید به دیوان عالی کشور ارسال شده است. این جوان حق خواه و کوشنده کارگری که برای بهروزی طبقه کارگر در تلاش بود باید هرچه سریعتر آزاد گردد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۲۶ آبان ۱۴۰۳

کشتار کارگران خاتمه نخواهد یافت!

امروز ۲۴ آبان ۱۴۰۳ در ریزش معدن کلات غرب آزاد شهر استان گلستان، تاکنون یک نفر کشته و دو نفر مصدوم گشته اند. در زمان وقوع حادثه به گفته کارگران در آن بخش ۲۴ کارگر کار می کرده اند.

۵ روز از حادثه ریزش مواد مذاب در فولاد زرند، تقریباً یکماه از انفجار در معدن هفتگل باغملک و ۵۴ روز از مرگ دلخراش ۵۳ کارگر معدن طبس نمی گذرد که باز هم سودجویی و اهمیت ندادن به جان کارگران این ریزش در معدن کلات غرب رقم می خورد.

کارفرمایان با این حادثه ثابت کردند که نه به قوانین و آیین نامه های صنعت و معدن و قانون کار و نه به حقوق انسانی افراد در مقابل پول اهمیت نمی دهند.

اعلام می کنیم ایمنی بخش جدایی ناپذیر دستمزد کارگران است و باید توسط کارفرمایان رعایت گردد. باز هم می گوئیم مقصر اصلی مرگ عمدی این کارگران وزیر صنعت و معادن و وزیر کار و کارفرمایان سودپرست این معادن هستند.

با این شیوه حکومت داری و چشم بستن به اعمال کارفرمایان قاتل و اجرای قوانین خلاف قانون کار علیه کارگران، کشتار کارگران خاتمه نخواهد یافت. در کمتر از دوماه بیش از ۸۰ کارگر در سه حادثه کشته و مجروح شده اند. ماضمن همدردی با خانواده کارگران قربانی و مجروح و برادران کارگرمان در معدن کلات غرب، از هر اقدامی جهت جلوگیری از این حوادث و محکوم کردن کارفرمایان سودجو، مضایقه نخواهیم کرد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۴ آبان ۱۴۰۳

اجرای همسان سازی، بدون حقه بازی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، از ۲۰ آبان فیش مستمری های رویت شده بازنشستگان تامین اجتماعی حاکی از ترفندی است تا با هیاهو اینگونه وانمود شود که همسان سازی اجرایی گردیده است.

آنچه تاکنون مشاهده شده تقریباً افزایش ۱۰ درصدی مستمری هاست. دست بردن آشکار در فرمول های همسان سازی توسط دغلكاران در سازمان تامین اجتماعی حرکتی را آغاز کرده اند تا هرچه می شود مستمری کمتری نصیب بازنشستگان شود و آنان همچنان گرسنه و سرگردان برای چنر غاز وام شخصیت خود را خرد کنند. این همسان سازی دست پخت ناپکاران کانون عالی بازنشستگان و مافیای چنبره زده در سازمان تامین اجتماعی است. همسان سازی در حقیقت افزایش مستمری ها در حدی باید باشد که خانواده بازنشسته بتواند به زندگی ادامه دهد نه اینکه محکوم به مرگ در زیر خط فقر شود. این موارد در ماده ۹۶ سازمان تامین اجتماعی و ماده ۴۱ قانون کار و در اصول ۳ و ۴۳ قانون اساسی نهفته است که در این همسان سازی زیر پا گذاشته شده است. طبق محاسبه ما بیش از هزار هزار میلیارد تومان بابت ۱ درصد مالیات بر ارزش افزوده به خزانه دولت طی ۷ ماه واریز شده است و همه این مبلغ باید بابت همسان سازی بازنشستگان هزینه شود نه اینکه این مبلغ به مجراهای دیگر واریز شود.

این افزایش نه با تورم و گرانی همخوانی دارد نه اینکه باعث رونق در سفره های بازنشستگان گشته است.

با این افزایش می خواهند جلوی تجمعات بازنشستگان را بگیرند اما گرسنگی خانواده، هیچکس را خانه نشین نخواهد کرد.

مبالغ واریز شده بابت یک درصد ارزش افزوده را شفاف سازی کنید تا سیه روی شود هرکه در او غش باشد.

خواسته ما این است که با حضور نمایندگان مستقل بازنشستگان این فرمول اصلاح و اجرایی گردد.

بازنشستگان متحد و مستقل تهران (فلزکار مکانیک، بافنده سوزنی،

چاپ، شهاب خودرو، فیلکو) ۲۱ آبان ۱۴۰۳

قتل کارگران به دست کارفرمایان!

با ریزش مواد مذاب بر سر ۹ کارگر کارخانه فولاد زرنند، قتل کارگران به دست کارفرمایان بعد از حادثه معدن طبس صورت عادی به خود گرفته است و بازرسی وزارت صنعت و معدن و بازرسی وزارت کار نظاره گر این حوادث و قتل عام کارگران هستند.

وجود سیاست های ضد کارگری و منفعل کردن عامدانه بخش های بازرسی و محکوم نشدن کارفرمایانی که این حوادث را به دلیل سودجویی رقم زده اند، دست کارفرمایان را برای زیر پا گذاشتن قوانین و قتل کارگران باز گذاشته است.

دستمزد تنها مبلغی که هر ماهه به کارگر داده می شود نیست. بیمه، کفش و لباس کار، غذا و میان وعده های غذایی، شیر، عینک، ماسک و بی تردید ایمنی جزو دستمزد کارگران است و باید به شدت هم از طرف کارفرما رعایت و هم از طرف کارگر خواسته شود.

حادثه روز جمعه کارخانه زرنند اولین و آخرین حادثه در این کارخانه و دیگر صنایع نخواهد بود. سه سال پیش در ۱۶ خرداد ۱۴۰۰ در همین مجموعه فولاد زرنند آتش سوزی رخ داد که اگر همان زمان کارفرما مجازات می شد و بازرسی های ایمنی شدت می گرفت یک سال پیش در مجتمع فولاد اسفراين ۸ مجروح به جای نمی گذاشت.

کارگران در این واحدهای تولیدی هیچگاه دست از مبارزه برای بهبود وضعیت کاری شان نکشیده اند. کارخانه فولاد زرنند بارها شاهد اعتراض و اعتصاب کارگران بوده و آخرین مورد آن هم در ۲۶ اسفند ۱۴۰۲ بود که متأسفانه با زورگویی کارفرما به نتیجه نرسید. این در حالی است که این کارخانه از شرکت های سودده بوده که برای سودجویی بیشتر استانداردهای ایمنی در آن جدی گرفته نمی شود. هیات دولتی که اتاق بازرگانی در این خصوص به آن مشاوره می دهد و مصوب می کند اسناد صلاحیت دار ایمنی الزام آور در اسناد مناقصه نیست، یعنی به کارفرما این حق را می دهد که دست به کشتار کارگران بزند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ضمن ادای احترام به همه کارگرانی که به دلیل سودجویی کارفرمایان در حوادث کاری مجروح و یا جان باختند، اعلام می کند حوادث کار قتل عامدانه و آگاهانه کارگران است و در مقابل آن کوتاه نخواهیم آمد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۱۹ آبان ۱۴۰۳

کارگران ایران مخالف جنگ و نظامی گری!



سیاست های توسعه طلبانه دولت کودک کش اسرائیل برای گسترش جنگ در خاورمیانه، اوضاع را هر روز بغرنج تر و دست‌یابی به صلح را هر روز دشوارتر می سازد. آتش افروزی در خاورمیانه برای صنایع اسلحه سازی غرب ثروت و برای زحمتکشان منطقه و بویژه ایران جز کشتار فرزندان مان ارمغان دیگری به همراه ندارد.

در شرایط کنونی جهانی که توازون نیروها بر علیه ایران است و چنانچه جنگی بین ایران و اسرائیل درگیرد آمریکا به حمایت از اسرائیل به میدان خواهد آمد، پرهیز از جنگ با منافع ملی ما مطابقت دارد.

ساده اندیشی است اگر فکر کنیم آمدن ترامپ صلح به همراه دارد. روسای جمهور آمریکا در خدمت صنایع اسلحه سازی هستند نه شعارهای انتخاباتی. با این روند و گسترش جنگ در خاورمیانه، آمریکا به عنوان قدرت اول جهان به تهدید اول جهان تبدیل خواهد شد.

آغاز جنگ که با تخریب زیر ساخت های کشور و فلج شدن زندگی زحمتکشان در عرصه های اقتصادی و اجتماعی رخ خواهد داد و برای بازسازی آن، بی تردید هر دولتی دست در جیب زحمتکشان خواهد نمود. این در حالی است که در فضای جنگی نه تنها خواسته های زحمتکشان به سرانجام نخواهد رسید بلکه سرکوب هر اعتراضی را موجه جلوه خواهد داد. کما اینکه در یک ماه گذشته بازداشت ها و تعهدگیری ها از کوشندگان سندیکایی و بازنشستگی به اوج خود رسیده است. در فضای جنگی بیکاری، گرانی هر روزه، فقر و

گرسنگی برای زحمتکشان رخ خواهد داد. هنوز زیر ساخت های کشور و بهداشت روانی آسیب دیده از جنگ عراق ترمیم نیافته و صدای خرخر گلوهای شیمیایی شده عزیزانمان به گوش می رسد. جنگ تنها به نفع سرمایه داری ننولیبرال است که در این فضای بحرانی به بی قانونی دامن زده و دستاوردهای زحمتکشان را نادیده گرفته تا به ثروت اندوزی بپردازند. نگاهی به بودجه سال آینده مشتی از خروار سودجویی تدارک دیده مافیا را نشان می دهد که با تکیه بر تیره روز کردن مردم، از هم اکنون پایکوبی برای جنگ را شروع کرده اند.

کارگران ایران آگاهند آنهایی که امروز آتش بیار جنگ در خاورمیانه هستند دست در دست استثمارکنندگان، مدافعان خصوصی سازی ها و پیمانکاران زالو صفت دارند.

لذا اولویت جنبش کارگری و بخش سازمان یافته آن، جنبش سندیکایی را، صلح و نه به جنگ افروزی بدل کرده است.

ما ضمن تاکید بر مطالبه های صنفی خود، توقف سمتگیری اقتصادی و اجتماعی به نفع مافیای ننولیبرال در اقتصاد و سیاست و حرکت به سوی عدالت اجتماعی و توزیع درآمد ملی به نفع همه مردم را خواستاریم. عقلانیت در دیپلماسی فعال در عرصه های جهانی بویژه در سازمان ملل و دادگاههای بین المللی با تکیه بر افکار عمومی ضد جنگ در جهان، در پاسداری از صلح را برای پیشگیری از جنگ، لازم می دانیم.

در همین راستا از همه اتحادیه های کارگری جهان و تشکل های بین المللی سندیکایی، درخواست داریم در این شرایط بحرانی برای توقف جنگ در خاورمیانه و پیشگیری و سرایت آن به ایران و عدم گسترش سیاست های ضد انسانی اسراییل در منطقه، به مقابله برخیزند.

برای صلح، برای زندگی، برای نجات جان انسانها، برای آینده کودکان و جوانان، خواهان صلح و آرامش در ایران و خاورمیانه هستیم.

دستان صلح خواه ما قدرتمند تر از هر جنگ افروزی است.

کارگران و سندیکالیست های ایران در سنگر دفاع از صلح و عدالت مبارزه ای بی امان دارند!

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۱۷ آبان ۱۴۰۳

معدنچیان در اعتراض!

بعد از مرگ ۵۲ معدنچی طبس و یک معدنچی در طرزه دامغان روز ۱۸ مهر هم انفجاری در معدن سنگ هفتگل- باغملک ۳ مصدوم برجای گذاشت که به بیمارستان مادر رامهرمز منتقل شدند. این اتفاقات زنجیره ای نشان از ایمن نبودن معادن ایران دارد و از بی مسولیتی کامل مسولین شهری و وزارت کار و صنعت و معدن و بی شرافتی مالکین معدن، حکایت دارد. از سوی دیگر ۸ روز است معدنچیان شرکت آسفالت طوس چادرملو در اعتصاب هستند و ۴ کارگر بازداشتی پس از پیگیری همکاران شان و گزاردن وثیقه آزاد شدند. این در حالیست که برای بسیاری از کارگران پیامک احضار به دادگاه آمده است. روز جمعه (دیروز) کارگران به همراه خانواده های خود در محوطه معدن دست به تجمع زده بودند. این کارگران خواستار همسان شدن دستمزدهایشان با کارگران قرارداد مستقیم و بالا رفتن کیفیت بیمه های تکمیلی خود هستند. در یک اقدام غیر اخلاقی کارفرما با توجه به موقعیت معدن که در ۸۰ کیلومتری با اولین شهر قرارداد از دادن غذا به ۱۵۰۰ معدنچی خودداری کرده است، تا بتواند این اعتراضات را به شکست بکشاند. از روز گذشته نیز معدنچیان سنگ آهن مرکزی بافق و سه چاهون اعتراضات خود را آغاز کرده اند و با وجود حضور در نماز جمعه بافق یزد و قول نیروهای مسول به کارگران جهت توافق، مدیرعامل شرکت سنگ آهن مرکزی زیر بار خواسته های قانونی کارگران نرفت و بدون توافق محل مذاکره را ترک کرد. در حال حاضر سه معدن در اعتصاب هستند. افزایش حقوق، ایمن بودن محل کار که بخشی از دستمزد کارگران است، درمان با کیفیت و حضور نماینده تشکل کارگری حقیقی کارگران در مذاکرات، از خواسته های اصلی کارگران می باشد. در شرایط کنونی که فضای سیاسی جامعه در یک تلاطم جنگی به سر می برد، نپذیرفتن خواسته های قانونی کارگران و ناراضی کردن آنان در راستای اهداف دشمن و ضد منافع ملی است. کارفرمایان و مسولین نئولیبرال نه جان کارگران برایشان اهمیت دارد نه منافع ملی کشور، آنان فقط در خدمت مافیای زر و زور و تزویر قرار دارند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران ضمن حمایت از خواسته های معدنچیان که یک خواست قانونی و انسانی است از همه کارگران می خواهد به حمایت از این کارگران رنج کشیده اعماق زمین ادامه دهند. امید که کارگران همه معادن با هم تماس گرفته و خواسته های بر حق خود را به صورت یکپارچه اعلام و بخواهند. حمایت از معدنچیان معترض و داغدیده، عین منافع ملی است.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۲۱ مهر ۱۴۰۳



ما فیا علیه همبستگی!

اول مهرماه، ۵۴ معدنچی طبسی پس از انفجار به دلیل نشت گاز و خاموش بودن عمدی حسگرها کشته شدند. ۱۶ مهرماه یک معدنچی به دلیل خارج شدن واگن از ریل و استاندارد نبودن سیم بکسل هدایت کننده، کشته شد. ۱۸ مهرماه ۲۱۰۰ معدنچی چادرملو یزد در اعتراض به: «شرایط بد شغلی خواستار افزایش پایه حقوق، حل مشکلات بیمه تکمیلی و عدم تناسب دستمزدها با کار سخت» دست به اعتصاب چند روزه زده اند.

چرا به جز بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد هیچ همدردی و اعلام همبستگی از سوی سایر رشته های شغلی بویژه کارگران معادن از برادران معدنچی طبسی صورت نگرفت؟ کارگران شرکت آسفالت طوس معدن چادرملو دارای انجمن صنفی بسیار قوی هستند اما از این انجمن صنفی هیچ ندایی در همبستگی و همدردی با کارگران معدن طبس و طرزه دامغان در نیامد؟ چرا؟! این عدم همبستگی در سایر جنبش ها هم دیده می شود. مثلن بازنشستگان تامین اجتماعی که در تجمع کارگران فولاد در مقابل نهاد ریاست جمهوری به حمایت و همبستگی با این کارگران آمده بودند، با دست این بازنشستگان مواجه شدند (۱۵ مهرماه) و یا اگر بازنشستگان لشگری و کشوری در مقابل نهاد ریاست جمهوری

با همراهی بازنشستگان تامین اجتماعی روبرو می شوند از بردن نماینده بازنشستگان تامین اجتماعی برای مذاکره سرباز می زنند. چرا؟؟

متأسفانه مافیا توانسته است در میان افراد جنبش ها این موضوع را جا بیاندازد که از همراهی و همبستگی با سایر نیروها بپرهیزند تا نیروهای امنیتی آنان را زیر فشار قرار ندهند، که می دهند. جزیره ای عمل کردن هر جنبشی جز شکست چیز دیگری در بر نخواهد داشت. هیچ اعتراض و جنبشی نیست که خواسته های کلانش به دیگر اقشار و طبقات مربوط نباشد. بویژه موضوع دستمزدها و درمان مناسب که خواست همه زحمتکشان از هر قشر و رده شغلی و بازنشسته و شاغل هم نمی شناسد. در میان شاغلین هم طبقه بندی مشاغل و حذف پیمانکاری و ایمنی در محل کار خواست همه بوده و خواهد بود.

وظیفه همه آگاهان طبقه کارگر چه شاغل و چه بازنشسته است که موضوع همبستگی و پشتیبانی از همدیگر را در جنبش ها و حرکت های زحمتکشان مطرح و آن را اجرایی کنند. خواست مافیا سرکوب هرگونه اعتراض و خواسته صنفی و اجتماعی است. برای مافیا پرستار، معدنچی، فولادی و ذوب آهنی و کولبر فرقی نمی کند باید خواسته هایشان را سرکوب کند. پس همه زحمتکشان هم باید با هم متحد شده و از هم پشتیبانی و اعلام همبستگی کنند. دشمن یکی است و خواسته های یکی.

اگر امروز ۲۱۰۰ معدنچی چادرملو به همراه انجمن صنفی اش موفق به گرفتن خواسته های خود نیستند، باید بدانند که بستر این عدم موفقیت در همبستگی بود که باید در روزهای قبل از معدنچیان طبس و طرزه دامغان به عمل می آوردند. مافیا تنها با قدرت همبستگی زحمتکشان و همه مزدبگیران مغلوب خواهد شد.

تحریریه مجله پیام سندیکا ۱۸ مهر ۱۴۰۳

کشتار کارگران معدن ادامه دارد!



هنوز ۱۶ روز از حادثه دردناک معدن طبس نگذشته است که دیروز ۱۶ مهرماه ساعت ۱ بعدازظهر معدنچی محمد مهدی پاکدل با ۱۸ سال سابقه و ۵۱ سال سن اهل بجنورد در معدن طرزه دامغان به کام مرگ رفت. محمد مهدی پاکدل که در حال انداختن قلاب به پشت واگن انتقال به نقطه بالاتر بود، به دلیل خارج شدن واگن از ریل، واگن او را به دیواره معدن کوفته و با خرد کردن قفسه سینه اش او را به کام مرگ فرستاد.

نبود تجهیزات استاندارد ایمنی و همچنین وسایل انتقال دهنده مصدومین به خارج از معدن، همچنانکه در معدن طبس هم دیدیم، کارگر مصدوم را با واگن حمل زغال به بیرون معدن انتقال می دهند که نه تنها به مصدومیت بیشتر کارگر حادثه دیده منجر می شود بلکه به دلیل تکانه های واگن و گود بودن واگن، فرد حادثه دیده از ناحیه سر و گردن حتا اگر سالم هم باشد، دچار مصدومیت بیشتر می شود.

خصوصی کردن معادن برای سودجویی بیشتر کارفرمایان و در همین راستا عدم نظارت درست بازرسین وزارت کار و وزارت صنعت و معدن در خصوص ایمن بودن محل کار، مرگ معدنچیان را رقم می زند.

امروز مشخص شده است که در معدن طبس زمانی حسگرهای گاز روشن می شده که بازرسی به معدن ورود می کرده است آن هم برای اینکه بازرس سالم از معدن بیرون بیاید. مقصر اصلی اینگونه حوادث بعد از مالک معدن، وزیر کار است که می گوید: «حادثه غیرقابل پیش بینی بود» و در یاداشتی در روزنامه شرق تحت عنوان: «مقصر کیست» می نویسد: «او نگران این بوده که آتش انتقام شعله ور شود»

وزیری که نه جان کارگران برایش مهم است و نه قانون، فقط حمایت از یک کارفرمای سودجو برایش اهمیت دارد. پس او نیامده قانون را در روابط کار اجرایی کند آمده از جان کارفرمایان مواظبت کند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران با توجه به بی اعتنایی وزارت کار و وزارت صنعت و معدن برای جلوگیری از حوادث کار در معادن ایران، شکایتی را در این خصوص پیگیری خواهد کرد.

ضمن تسلیت به همه خانواده های داغدار معدن طبس و طرزه دامغان و برادران معدنچی، پیمان می بندیم داد این کارگران مظلوم را از کارفرمایان سودجویی که حتا زحمت دادن یک تسلیت به خانواده های داغدار را به خود نمی دهند، از این انسان نماهای سودجو بگیریم.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۱۷ مهر ۱۴۰۳

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



اخبار کارگران پروژه ای

۱- پیمانکاران خلافکار را معرفی کنید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت های پیمانکاری چون شرکت فراب، ناردیس، جندی شاهپور و پیمانکاری شهريور دستمزدهای کارگران داربست بند خود را کمتر از دستمزد مصوب کمپین می پردازند. این شرکت ها خوابگاههای غیر استاندارد نیز دارند. حقوق مصوب کمپین ۱۴-۱۴ برای ۱۴ روز کار داربست بندی ۴۵ تا ۵۵ میلیون را در نظر گرفته است. این پیمانکاران در بی احترامی به کارگران آنقدر بی شخصیت هستند که برای کارگرانی که در دمای ۵۰ درجه به بالا کار می کند. حتا حمام درست نکرده اند و باید کارگران با شیلنگ از تانکر آب کشیده، شستشو کنند. دستمزدها را ماه به ماه نمی پردازند و ۲ ماه حقوق عقب افتاده دارند. حتا در پرداخت لیست بیمه کارگران هم عقب افتادگی دارند. از سوی دیگر کارگران سندبلاست کار پیمانکاری علیپور در جفیر که در مخزن ۱۳ هزار مترمربع با چتری زیر سقف کار می کنند هنوز دستمزد کارگرانی که برایش در شهریورماه کار کرده اند را نپرداخته است. به کارگران سندبلاست کار با این شرایط سخت می گوئیم حقوق روزانه شما ۵ میلیون تومان است و باید همان روز هم پرداخت شود. برادران کارگر شخصیت کارگری خود را حفظ کنید و با شرایط غیراستاندارد و حقوق های ناچیز کار نکنید و قوانین کمپین را رعایت کنید تا زحمت کارگريتان به هدر نرود.

۲- برای پیمانکاران شاید کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکار هادی و مهدی شیرانی در شرکت هتل گل گهر سیرجان با همکاری بختیار پور و افشین شاهی که کارگر برای این دو برادر شاید جور می کنند سر کارگران کمکی، فیتز و جوشکار خود کلاه گذاشته و حقوق تیرماه تاکنون کارگران خود را بالغ بر ۳۰۰ میلیون تومان را نداده اند. این شیدان در تماس تلفنی به کارگران خود می گویند: «ما ورشکست شده ایم و پول شما را نمی دهیم بروید شکایت کنید» این شیدان برای کلاه گذاشتن سر کارگر اول رضایت نامه ای به او داده بعد برگ تسویه حساب از کارگر گرفته او را روانه خانه می کنند تا بعد بگویند ورشکست شده ایم در حالی که پول کامل خود را از شرکت هتل گل گهر سیرجان گرفته اند. بارها به دوستان کارگر گفته ایم برای قانون شکنان پروژه ای کار نکنید تا زمانی که چک و یا تسویه حساب پولی کامل نکرده اید از پروژه خارج نشوید تا اینگونه سرگردان نشوید. از همه کارگران پروژه ای می خواهیم برای این دو برادر شاید کار نکنند و آنان را تحریم کارگری کنند. هر کسی از خانه و کاشانه این افراد و یا محل کارشان اطلاع داد به سندیکای کارگری خبر دهد.

۳- برای پیمانکاران متقلب کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکار شکرالهی که در شرکت جندی شاپور کار می کند بسیار آدم متقلب است که برای استادکارانش لیست بیمه کارگر ساده رد می کند. در ابتدای کار مبلغی توافق می کند که کارگر راضی به کار شود. بعد از دو ماه دستمزد را پایین آورده و به کارگر می گوید: «دستمزدت همین است اگر نمی خواهی تسویه کن برو» کافی است کارگر تسویه حساب را امضا کند دیگر از پول خبری نخواهد بود. این پیمانکار برق و ابزار دقیق در حال حاضر در ایستگاه تقویت فشار گاز ده شیر یزد کار می کند. دوستان، این پیمانکار متقلب را تحریم کارگری کرده و اسم او را به همه کارگران بگویید تا بدون کارگر بماند

۴- اعتصاب در شرکت آبداراهان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت آبداراهان مستقر در عسلویه و سازنده مخازن ذخیره نفت و گاز و زیر مجموعه فراسکو، از اول آبان در اعتصاب به سر می برند. ۲۵۰ کارگر پایبینگ این شرکت پس از قول های بی پشتوانه در خصوص رعایت قوانین کمپین ۱۴-۱۴ در اواسط تیرماه به کمپین ۱۴-۱۴ پیوسته به خانه رفتند. ولی شوربختانه به وعده های تو خالی مدیران شرکت اعتماد کرده به پروژه بازگشتند. امروز ۴مین روز اعتصاب ۵۰ کارگر آبداراهان و ۲۰۰ کارگر پیمانکاری مهرگان فلز به دلیل نگرستن حقوق

های مردادماه تاکنون است که دست از کار کشیده و در محل کار در اعتصاب به سر می برند. قول ها و پیام های مدیریت برای بازگشت به کار با مخالفت کارگران روبرو شده و کارگران در خوابگاه ها منتظر واریز حقوق های عقب افتاده هستند. بارها به کارگران گفته ایم سر هر ماه دستمزدها را تسویه کنید و به بعد موکول نکنید. پیمانکاران موظف هستند طبق قانون کار دستمزد کارگرانشان را یا روزانه و یا هفتگی و یا ماهانه پرداخت کنند.

۵- برای فرشید طهماسبی کار نکنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکاری فرشید طهماسبی در پتروشیمی آپادانا حقوق کارگرانش را از مرداد تاکنون پرداخت نکرده است و متأسفانه این آدم بدحساب در پتروشیمی فراسکو در شرکت آپادانا کار گرفته و مشغول به کار است. شوربختانه پتروشیمی آپادانا هم با آنکه این پیمانکار کار را تحویل داده از واریز حقوق کارگران خودداری می نماید. در این میان کارگران سرگردان هرچه با فرشید طهماسبی تماس می گیرند این آدم دغلكار جواب تلفن کارگرانش را نمی دهد تا تکلیف کارگران مشخص شود. این در حالی است که بخشی از کارگران طلبکار با شکایت توانسته اند توقیف اموال این فرد را بگیرند تا شاید به دستمزدهای خود برسند. ما به کارگران توصیه می کنیم از پتروشیمی آپادانا بخواهند حسن انجام کار این فرد را که مبلغ زیادی است را جهت تسویه حساب با کارگران پرداخت کند.

توجه

کارگران با انتخاب نماینده و جمع آوری اسناد کاری همه کارگران طلبکار، با نوشتن نامه به مدیریت پتروشیمی و ارسال نسخه ای از آن به مدیریت و نسخه ای به بازرسی وزارت کار و شرکت نفت خواستار تسویه حساب خود شوند و با اطلاع قرارداد سندیکا، نماینده شما در تهران پیگیر این موضوع شود

۶- اعتصاب در شرکت مهر خلیج فارس!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران داریست بند پیمانکاری رضانی و سلحشور در شرکت مهر خلیج فارس واقع در بندرعباس دو روز است که به دلیل پرداخت نشدن حقوق ها و رعایت نکردن قوانین کمپین، از تردد سرویس کارگران جلوگیری کرده و در خوابگاه ها تا پرداخت شدن دستمزدها به اعتصاب نشسته اند. متأسفانه این پیمانکاران با گول زدن کارگران آنان را با وعده حقوق ها طبق کمپین به سر کار می کشند ولی در زمان پرداخت حقوق معلوم می شود با کارگران داریست بند ۶/۲۴ می خواهند حساب کنند. به کارگر داریست بند حقوق ۲۵ میلیونی که دستمزد کارگر کمی است در نظر گرفته اند که به اعتصاب منجر شده است و هر کارگری هم که اعتراض کند بلکه لیست می شود. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها همگام با این کارگران

خواهان اجرای تمامی مقررات کمپین است از همین رو این پیمانکاران تحریم کارگری هستند و هیچ داریست بندی برای حفظ شخصیت کارگری و دستاوردهای کمپین نباید برایشان کار کند. این تحریم کارگری را به همه کارگران داریست بند اطلاع داده شود.

اخبار کارگران نفت و گاز

۱- اعتراض کارگران نفت، پر خروش تر از همیشه!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با فراخوان داده شده توسط کارگران پیمانکاری مستقر در پارس جنوبی از هفته قبل و اعلام اول آبان روز اعتراض همگانی به دلیل وعده های انجام نشده دولت، در پالایشگاه های ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۶، ۳ و پالایشگاه پارسین استان فارس از ساعت ۹ صبح کارگران اعتراض خود را به مدت یکساعت برگزار کردند. این دوازدهمین اعتراض هفتگی نزدیک به هزار کارگر است. آنان خواستار: بازگشت به کار حجت رضایی، نماینده اخراجی کارگران، اجرای توافقات قبلی در زمینه مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ، اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل برای همه کارگران پیمانکاری، تغییر شرایط تردد و دستمزد رانندگان استیجاری و اجرای طرح طبقه بندی برای رانندگان غیرمالک، اجرای بدون تبعیض ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای کارگران اداری و پشتیبانی هستند. همچنین کارگران و کارکنان رسمی، ارکان ثالث، پیمانی صنعت نفت، گاز و پتروشیمی شاغل در شرکت های «نفت فلات قاره در مناطق عملیاتی لاوان، خارک و سیری»، «نفت و گاز پارس در سکوی های ۴۰ گانه POGC»، «پالایشگاه های گاز پارس جنوبی»، «SPGC POGC، پالایشگاه فجر و ...»، «پژوهش و فناوری پتروشیمی مرکز ماهشهر»، «ستاد مطالبه گری مناطق نفتخیز جنوب در اهواز»، «نفت گچساران» و ... نیز دست از کار کشیده و خواستار اجرایی شدن مطالبات قانونی خود: حذف کسورات ظالمانه حقوق/ پرداخت کامل سنوات بازنشستگی/ پرداخت بک پی ماده ۱۰/ بازگشت مالیاتهای اضافی کسر

شده/ اجرای کامل مفاد ماده ۱۰ / واریز مابه التفاوت کسورات بازنشستگی ناشی از اجرای ماده ۱۰ / پرداخت مبالغی که در سالهای ۹۵ تا ۹۷ توسط وزیر وقت نفت بصورت غیرقانونی به عنوان مازاد بر سقف کسر شده است به همراه سود تاخیر تادیه شدند. مدیریت شرکت نفت و مسوولان دولتی این اعتراضات را می بینند اما نمی خواهند صدای بر حق کارگران نفت را بشنوند. این مدیران فقط زورگویی و بی اعتنایی به کارگران را آموزش دیده اند نه تنها لیاقت این پست را ندارند بلکه در شرایط کنونی و فضای بحرانی سیاسی، به نارضایتی در میان کارگران دامن می زنند. کارگران اجرای قانون را می خواهند نه کمتر و نه بیشتر و مدیران قانون شکنی و نادیده گرفتن کارگران را. از این نارضایتی تراشی جز دشمن و مافیای لانه کرده در نفت کس دیگری سود نخواهد برد. کارگران حق قانونی خود را بر طبق اصل ۲۷ قانون اساسی مطالبه می کنند و عدالت حق همه کارگران است.

۲- اتحاد، مبارزه، پیروزی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز چهارشنبه، روز بعد از ۱۳ مین هفته از سه شنبه های اعتراضی کارگران پیمانکاری پارس جنوبی، ۴ تن از کارگران شرکت کننده در این تجمع از ورود به پالایشگاه سوم توسط حراست جلوگیری شد. کارگران پس از اطلاع از این موضوع دست از کار کشیده و با اعتصاب خواستار برگشت به کار همکاران خود شدند که به دستور مهندس مودنی ریاست پالایشگاه از کار بیکار شده بودند. متعاقب این اعتراض مهندس مودنی مجبور گشت مجوز ورود به پالایشگاه برای این ۴ کارگر معترض را صادر کند. این در حالی بود که حجت رضایی رییس هیات مدیره انجمن صنفی کارگران پالایشگاه ششم با اعتراضات فراگیر کارگران پیمانکاری پارس جنوبی بعد از ۴ ماه به کار بازگشته بود. اخراج نماینده کارگران که به قصد زهر چشم گرفتن از سایر کارگران انجام پذیرفته بود با بازگشت به کار حجت رضایی که با همبستگی همه کارگران شکل گرفته بود، با شکست روبرو گردید. هر چند در این میان علیرضا میرغفاری نماینده کارگران پیمانکاری پارس جنوبی روز سه شنبه اعلام کرد: «با مذاکرات به عمل آمده تا یک ماه مهلت به مدیران شرکت نفت داده شد تا در رابطه با خواسته های کارگران اقدام کنند». مافیای نفت به دنبال فرسایشی کردن اعتراضات است. مگر مدیران شرکت نفت بعد از یکسال اعتراضات کارگران نمی دانند خواست کارگران چیست؟؟ این گونه مهلت دهی چه نتیجه ای تاکنون داشته است؟؟ سندیکای کارگری به همراه کارگران پروژه ای در اعتصابات شأن آموختند که تا پیروزی نهایی، مهلت دادن به کارفرما یعنی فرسایشی کردن اعتراضات به هر حال کارگران دانستند که فقط با همبستگی و ایستادگی می توانند پیروز باشند، که تجربه بسیار خوبی است و اولین قدم برای پیروزی های دیگر است. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران همچنان پشتیبان خواسته های کارگران پیمانی و قراردادی موقت و ارکان ثالث پارس جنوبی است

اعتصاب در کارخانه سایپا آدین!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا ۸۰۰ کارگر شرکت سایپا آدین واقع در جاده مخصوص کرج و سازنده صندلی خودرو، دست به اعتصاب زدند. کارگران شبفت دوم پس از هماهنگی با دیگر شیفت ها به سرکار نیامده و شیفت دوم را تعطیل کردند. کارگران صبح کار نیز از ساعت ۱۲ ظهر پس از بی اعتنایی مدیریت به خواسته های شیفت دوم، دست از کار کشیده و روانه خانه شدند تا بخش تولید کاملن تعطیل شود. کارگران گفتند تا برآوردن نشدن خواسته ها در خانه خواهند ماند. از مدتها پیش کارگران در خصوص افزایش دستمزدها، دریافت ۲ ماه آکورد عقب افتاده در پی افزایش تولید و مشخص شدن وضعیت بن های کارگری، به مدیریت هشدار داده بودند. متاسفانه مدیران بیشتر شرکت ها از وضعیت موجود سواستفاده کرده حقوق کارگران خود را رعایت نمی کنند.

گرانی های هر روزه، دستمزدهای حقیرانه امان زحمتکشان را بریده است و این در حالی است که عده ای فاسد و دارای قدرت که در دستگاههای اقتصادی، صنعتی، سیاسی، فرهنگی ثروت کشور را به یغما برده و با زیر پا گذاشتن قوانین، هر روز مشکلی به مشکلات مردم می افزایند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران از خواسته های این کارگران حمایت می کند.

نه به جنگ، شعار صنفی است!



چندی است با بحرانی تر شدن فضای سیاسی کشور، موضوع نه به جنگ افروزی و محکوم نمودن حمله به کشورمان، منجر به بحث هایی در میان بازنشستگان فعال گردیده است. دوستانی عنوان می کنند این شعار سیاسی است و ربطی به مسایل صنفی ندارد و بهتر است کار صنفی را با کار سیاسی مخلوط نکنیم.

تعریف از کار صنفی فقط افزایش دستمزد، مستمری، بهبود درمان، اعتصاب و اعتراض و جمع شدن در خیابان، خلاصه نمی شود. بلکه هر موضوعی که در زندگی زحمتکشان اثر گذار است چه منفی و چه مثبت به آنان ربط دارد و موضعگیری زحمتکشان را می طلبد. آیا جنگ و صلح در زندگی زحمتکشان اثر منفی و مثبت ندارد؟ و نباید آن را سر لوحه کار مطالباتی قرار داد؟؟

با حمله به ایران بی تردید زندگی فرزندانمان و همه ما تحت تاثیر قماری که محافل سرمایه داری جهانی برای آن کیسه ها دوخته اند، به خطر خواهد افتاد و بسیاری جانشان را از دست خواهند داد. ویران شدن زیر ساخت های دارویی، نیروگاهی، پالایشگاهی در زندگی همه ما تاثیر گذار خواهد بود. برای مثال در آن شرایط داروهای که زحمتکشان مصرف می کنند توسط دلالان به پستوها خواهد رفت و زندگی بسیاری از جمله بازنشستگان و زندگی بیماران خاص به مخاطره خواهد افتاد. ما که امروز به دنبال بهبود وضعیت درمانی خود هستیم باید چند قدم عقب نشینی کنیم. آیا باز هم جنگ و یا صلح نباید مورد توجه

بازنشستگان مطالبه گر باشد؟ به تاریخ رجوع کنیم و از آن بیاموزیم. از سال ۱۳۲۰ و با حضور شورای متحده مرکزی زحمتکشان، کارگران در مسایلی که به زندگی آنان مربوط بود دخالت کردند، از مبارزه با استعمار انگلیس در صنایع نفت، مبارزه با مالکان و خان های انسان نما، تا حضور در ملی کردن صنعت نفت. سال ۱۳۲۵ در جشن روز کارگر در آبادان یکی از زنان سخنران عضو شورای متحده آبادان خواستار ملی شدن صنعت نفت شد. (منبع: ایران بین دو انقلاب نوشته آبراهامیان) روز ۳۰ تیر حضور کارگران برای به زیر کشیدن قوام السطنه و روی کار آوردن دکتر مصدق برای نخست وزیری. تظاهرات سندیکاهای کارگری در مخالفت با ورود هریمن آمریکایی به ایران. اما از همه جالب تر موضعگیری سندیکای کارگران کفاش در مخالفت با جدایی بحرین از ایران با فشار انگلیس بود که طی بیانیه ای این عمل رژیم شاهنشاهی محکوم شد. (گفتگو با جواد مهران گهر عضو هیات مدیره سندیکای کارگران کفاش تهران) از بستن شیرهای نفت توسط سندیکای کارگران شرکت نفت در سال ۵۷ و سقوط رژیم پهلوی که همه در جریان هستند اشاره ای نمی کنم. دوستان بازنشسته، یک سندیکالیست واقعی و یک مطالبه گر کف خیابان فقط به دنبال بهبود مسایل حقوقی نیست بلکه هر امری که با زندگی و مرگ ما و خانواده هایمان در ارتباط باشد باید موضعگیری کند و مبارزه برای صلح و محکوم کردن حمله نظامی به ایران در کنار دیگر خواسته های معیشتی و درمانی و کوتاه کردن دست مافیا از صندوق های بازنشستگی باید بر ایمان مهم باشد.

نه به جنگ افروزی، زنده باد صلح

حمله نظامی به ایران محکوم است!

مازیار گیلانی نژاد ۲۷ مهر ۱۴۰۳

مافیا علیه کارگران!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کنار گذاشتن علیرضا میرغفاری رییس انجمن صنفی کارگران پارس جنوبی از شورای عالی تعیین دستمزد، هشدار است که باید بسیار جدی به آن نگاه کرد. سال گذشته مافیای لانه کرده در وزارت کار علی‌خدایی را از این شورا کنار گذاشت تا کمترین مخالفتی را در جلسه نداشته باشند. مافیای اتاق بازرگانی که به دنبال شکستن کمر زحمتکشان با تورم و گرانی است در تلاش است نه تنها با اجرایی کردن برنامه هفتم توسعه سازمان تامین اجتماعی را نابود کند، بلکه تمامی خدمات عمومی و یارانه ای را از بین ببرد تا به این وسیله زحمتکشان را در فقر و گرسنگی نگه دارد و اعتراضات کارگران را به نوعی مدیریت و سرکوب کند. برای مثال با اسم همسان سازی مستمری بازنشستگان و افزایش حقیرانه مستمری ها، یکشنبه های اعتراض را خاموش کنند. علیرضا میرغفاری و علی‌خدایی منتخب واقعی کارگران و سندیکاهای کارگری نیستند اما مخالفت با حضور اینان در شورای عالی تعیین دستمزد یعنی سرکوب حتما کمترین مخالفت ها و یکدست کردن اعضای کارگری این شورا با مطیع کردن و تهدیدهای پیدا و پنهان مافیا است. با توجه به افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان دولت در بودجه سال پیش رو، در حقیقت پیش دستی دولت و کارفرمایان برای افزایش نیافتن دستمزدهای کارگران با تورم موجود طبق ماده ۴۱ قانون کار است. آقای موسی غنی‌نژاد مشاور اتاق بازرگانی بارها اعلام کرده است که قانون اساسی و قانون کار به ویژه اصولی که به نفع زحمتکشان تدوین شده است «کمونیستی» است و باید حذف شوند. معنی این حرف یعنی اینکه کارفرمایان و دولت آزاد باشند هر بلایی را علیه ۹۰ درصد مردم ایران انجام بدهند. این تفکر رونقی برای سفره های کارگران و بازنشستگان قایل نیست. این نگاه خواهان نظام برده داری است که در آن هیچ حقی برای مردم قایل نیست و ثروت عمومی را فقط متعلق به قدرتمندان می داند. این مافیا که سخنگو و برنامه ریزش موسی غنی‌نژاد است و موسسه نذر و اشتغال اصفهان در همین راستا فعالیت می کند بارها گفته است که خانواده های کارگری می توانند با کمتر از نصف حداقل حقوق زندگی کنند، بازنشستگی نباید وجود داشته باشد چرا که کار کرده و دستمزد خود را دریافت کرده اند، بیمه نباید وجود داشته باشد و اگر کسی خواهان درمان است می تواند به بیمه های خصوصی بپیوندد. در همین روند حذف مجوز صلاحیت ایمنی از قراردادهای پیمانکاران صورت گرفت. خبرها حاکی از این است که از مهرماه در برخی پروژه های نفت و گاز پیمانکاران از دادن حتما بالش و پتو، کفش ایمنی، دستکش، ماسک خودداری کرده و یا این موارد را از دستمزد کارگران کم می کنند. دستمزد بالای خط فقر، ایمنی، درمان صفر تا صد، حق بازنشستگی، رفاهیات مندرج در قانون کار و استانداردهای شرکت نفت، بخش جدایی ناپذیر دستمزد کارگران است. ما به کارگران پارس جنوبی توصیه می کنیم خواهان بازگشت نماینده شان به شورای عالی دستمزد باشند و سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران هم همراه آنان است

کارگران حافظ منافع ملی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز چهارشنبه در ساعات پایانی شیفت کاری رضا مرقی کارگر قرارداد موقت شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب با مشاهده خرابی در لوله چاه ۹۸ با خطر انداختن جان گرامی خود و بستن شیرفلکه ورودی به مخزن از فاجعه انسانی که همکارانش را تهدید می کرد و از هدر رفت ثروت ملی ایرانیان، جلوگیری کرد و نشان داد کارگران منافع ملی را بر جانشان ترجیح می دهند. کاش وزیر نفت و دیگر مسوولینی که با خواسته های کارگران مخالفت می کنند و سقف برای دستمزد تولید کنندگان ثروت ملی می گذارند، این صحنه را با دقت ببینند و به خانواده هم بدهند تا شاید از تلاش های طبقه کارگر خجالت بکشند. هر چند این اولین و آخرین بار چنین فداکاری هایی، نخواهد بود.

سال ۹۷ شهرام محمدی جوشکار اهل ایذه از روستای باستانی «کول فرح» دارای ۲ فرزند با دیدن ترکیدگی در لوله اسید در پتروشیمی مارون، به طرف شیرفلکه اصلی رفته و از بروز یک فاجعه انسانی و ملی جلوگیری کرد و متأسفانه به دلیل سوختگی با اسید در بیمارستان درگذشت. از خانواده این کارگر فداکار نه تنها تقدیری به عمل نیامد بلکه مستمراً این جوشکار درجه یک با حداقل حقوق به خانواده اش تعلق گرفت. پیمانکار فاسد و از او فاسدتر مدیران پتروشیمی که چشمانشان را به روی لیست های بیمه غیر واقعی ارایه شده از سوی پیمانکاران برای نیروهای متخصص که به صورت کارگر ساده به بیمه رد می شد، می بستند تا هم زیر میزی خوبی بگیرند و هم پیمانکار حق خور زودتر ثروتمند شود، در این فاجعه برای رو نشدن پلیدی هایشان هر کاری از دستشان برآمد کردند و در این میان بازرسین تامین اجتماعی هم چشمانشان را بر این بی عدالتی بستند. حتا با شکایت خانواده و پیگیری سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران همگی این پلیدان در یک اقدام مشترک مانع از اجرای عدالت در حق این خانواده شدند. با هزاران درود به این کارگر فداکار «رضا مرقی» اعلام می کنیم کارگران فلزکار مکانیک ایران و گروه پایپینگ و اکیپ پروژه ای ها به این عمل او افتخار می کنند. باشد که شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب این فداکاری را قدر بداند. **درود و افتخار بر طبقه کارگر ایران**

دست بوس نمی خواهیم، قانون را رعایت کنید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت ۲۵ مهر در خصوص مطالبات بازنشستگان گفت: «خیلی از اعتراضات بازنشستگان حق است و باید به آن توجه کرد اما ظرف بودجه ما محدود است و ما باید در پرداخت ها الویت بندی کنیم، دست بوس بازنشستگان، معلمان، گندمکاران هستیم اما باید بار به اندازه بر دوش دولت گذاشت»

پاسخ بازنشستگان به این صحبت خاتم مهاجرانی این است:

دست بوس ما نباشید، قانون را اجرا کنید. اگر شما اصل ۳، ۲۹، ۴۳ قانون اساسی و ماده ۴۱ قانون کار را اجرایی کنید بسیاری از مشکلات زحمتکشان و مردم ایران حل خواهد شد. همچنین کافی است نگاهی هم به برنامه هفتم توسعه ببینید که در آن به ناحق یک درصد مالیات بر ارزش افزوده را بر دوش مردم گذاشته شده تا از جیب خودمان همسان سازی اجرا شود. ششماه است از ۹۰ میلیون ایرانی این یک درصد گرفته شده است. اگر هر ایرانی در ماه فقط ۵ میلیون خرید داشته باشد این یک درصد طی ششماه اول سال ۲۷ هزار میلیارد تومان شده است که الان در خزانه دولت وجود دارد. هرچند که این یک درصد مبلغش بیش از اینهاست چون در این محاسبه معاملات انجام شده را در نظر نگرفته ایم. اگر محاسبه ما درست نیست لطف کنید این موضوع را شفاف سازی کنید تا مردم بدانند از این یک درصد که حتما در معاملات هم گرفته شده چه میزان از مردم مالیات برای همسان سازی گرفته آید. این مبلغ ربطی به بودجه عمومی دولت ندارد و ردیفش جدا از دیگر هزینه هاست. شوربختانه افرادی چون شما فکر می کنند بازنشستگان سواد حساب و کتاب ندارند و با حرف های سبکی چون «دست بوسی» می خواهند قانون را دور بزنند.

خانم سخنگو، خواسته بازنشستگان این است که ابتدا مبلغ دریافتی از مردم برای همسان سازی را شفاف سازی کنید و در کارهای دولت الویت با اجرای قانون است و باید همسان سازی برای بازنشستگان بی کم و کاست انجام شود.
بازنشستگان متحد تهرانی (فلزکار، بافنده، چاپ، شهاب خودرو، فیلکو)

تامین اجتماعی حامی کارفرمایان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با سیستمی شدن دریافت و پرداخت حق بیمه کارگران طی یک ماه گذشته، کارفرما وظیفه داشت پس از ارایه لیست بیمه یک ساعته حق بیمه کارگزارانش را هم واریز کند، اما با اعتراض شدید کارفرمایان و نامه اتاق بازرگانی، این موضوع مهم حذف شد و کارفرما هر زمان دلش خواست پول لیست بیمه را بدهد یا ندهد. برنامه ریزان مافیایی در سازمان تامین اجتماعی که خواهان نابودی این سازمان با مشاوره های موسی غنی نژاد در اتاق بازرگانی هستند، و حذف همه خدمات اجتماعی را برنامه ریزی می کنند آیا تعهد می دهند اگر کارفرمایی لیست بیمه داد ولی از پرداخت آن سرباز زد این کارفرما را به دادگستری بکشانند و تا پرداخت حق بیمه کارگزارانش اموالش را توقیف کنند. یکی از راههای فرار کارفرمایان و تیره روز کردن این کارگران همین ندادن حق بیمه در سر هر ماه است. بیشتر کارفرمایان لیست بیمه رد می کنند اما از پرداخت آن خودداری کرده و سازمان تامین اجتماعی هم کاری نمی تواند بکند. هم حق کارگران را می خورد و هم از دادن حق بیمه به سازمان سرباز زده است. مافیا در ایران می خواهد چه با دستمزدهای حقیرانه و مستمری های توهین آمیز و درمان ناقص زحمتکشانشان را به بردگی بکشاند و با خوار کردن خانواده های زحمتکشانشان آنان را از مطالبه گری دور کرده و یاس و ناامیدی را در جامعه حاکم کند. مافیا این آرزو را به گور خواهد برد.

نئولیبرالیسم یعنی بی قانونی محض!

نئولیبرالیسم چه در داخل ایران و چه در جهان خصیصه اصلیش بی اعتنایی به قانون، دور زدن قانون و در یک کلام زیر پا نهادن هر قانونی است. همسان سازی حقوق بازنشستگان در برنامه هفتم مصوب شد و مقرر گردید با افزایش یک درصد به مالیات ارزش افزوده از جیب ۷۰ میلیون زحمتکش همسان سازی اجرا شود. یک درصد مالیات که سر به هزاران میلیارد تومان زده است و طی ششماه در خزانه دولت ذخیره شده را نئولیبرالیسم بالا می کشد و بعد فقط ۸ هزار میلیارد تومان را با منت به همسان سازی اختصاص می دهد بعد باز هم قانون را دور زده اعلام می کند فقط به ۸۵۰ هزار نفر از ۵/۴ میلیون نفر همسان سازی تعلق می گیرد. قانونی که قرار بود بازنشسته ۹۰ درصد شاغل همترازش مستمری بگیرد به آنجا ختم شده که به حداقل بگیران همسان سازی تعلق نگیرد برای دیگران هم در حد ماهی ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان اجرا گردد.

نئولیبرالیسم، هیات مدیره های قانون های بازنشستگی و کانون عالی را به افرادی تبدیل می کند که به جای پیگیری حقوق بازنشستگان به پهباد سازی و دزدی و الواطی از پول

بازنشستگان مشغول شوند و با تشکیل باندهای مافیایی و چشم بستن به خلافکاری های مافیای آتیه سازان و سنگ اندازی در اجرای ماده ۵۴ تامین اجتماعی و حذف هزار قلم دارو از دفترچه بیمه ها و باج دادن به وزیر و مافیای لانه کرده در شستا، بی قانونی را حاکم کنند. نئولیبرالیسم وزیرکاری به میدان می آورد که خون ۵۲ کارگر را پایمال می کند و می گوید اتفاق بوده و عمدی در کار نیست تا مالکان معادن همچنان به بی قانونی خود ادامه دهند. وزارت کار این حق را به بخش خصوصی می دهد که استاندارد بودن بخش ایمنی پیمانکاری را لغو می کند یعنی بی قانونی حاکم باشد. نئولیبرالیسم اتاق بازرگانی را همه کاره کرده و این اتاق و مشاورینش چون موسی غنی نژادها به دولت ها، وزیر و معاون وزیر، مدیران کل و استاندار معرفی کند یعنی دولت کشک. نئولیبرالیسم قانون اساسی کشور، قانون کار و قانون تامین اجتماعی را به ورق پاره ای بدل کرده و همه این قوانین را با آیین نامه های ضد کارگری، قانون اساسی و قانون کار و قانون تامین اجتماعی را بی خاصیت نموده است.

اما فکر نکنید که نئولیبرالیسم فقط در ایران اینگونه عمل می کند. غزه نماد رفتار نئولیبرالیسم در پیش چشمان مردم دنیاست. به اسم مبارزه با یک گروه به نام حماس ۴۵ هزار نفر مردم غیر نظامی از کودک و زنان یک منطقه کوچک زیر سلطه خود را می کشد. به ۱۷۷ خبرنگار که در همه جنگها مصونیت جانی دارند شلیک می کند. پرستاران، پزشکان، را در بیمارستان به همراه بیماران به گلوله می بندد. مدارس را ویران می کند. مردم فراری از بمباران ها را در محل هایی که خود اعلام به امن بودنشان کرده، زیر آتش می گیرد. آب، برق، گاز را قطع کرده حتا از ورود مواد غذایی و دارویی که سازمان ملل ارسال کرده، ممانعت می کند. حتا بی شرمی و زیر پا گذاشتن قانون را به جایی می رساند که به محل استقرار کارکنان سازمان ملل یورش برده افراد را به قتل می رساند. سکوت رهبران مدافع نئولیبرالیسم در دنیا تایید بی قانونی هاست و این سیمای واقعی نئولیبرالیسم در همه جهان و ایران است.

وظیفه زحمتکشان و همه مردم ایران است که با بی قانونی و قوانین ضد کارگری و ضد مردمی و ضد آزادی که مافیای نئولیبرال می خواهد بر جامعه حاکم نمایند، مبارزه کنند. مبارزه با بی قانونی مبارزه با نئولیبرالیسم است.

مازیار گیلانی نژاد

عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۳ آبان ۱۴۰۳

دست های ناپاک از تامین اجتماعی کوتاه!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، روند نابود کردن سازمان تامین اجتماعی که با گزاردن مدیران نابلد و زد و بند با مافیای کانون عالی که منجر به تقدیم دو دستی بانک رفاه شد، از سال گذشته روندی رو به افزایش گرفته است. با تصویب واریز حق بیمه کارگران به جای خزانه تامین اجتماعی به اداره دارایی در برنامه هفتم توسعه در سال گذشته، خبر رسیده که طی دو هفته گذشته جلسه ای با حضور وزیر کار، مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی، و وزیر بهداشت مصوبه ای از سوی دکتر عارف معاون اول رئیس جمهور مقرر شده ۲۷/۹ سهم درمان سازمان تامین اجتماعی به خزانه دولت واریز شود. این در حالی است که دولت خود بزرگترین بدهکار به سازمان تامین اجتماعی است و از دادن حق بیمه ۲۷ صنف آوار کرده بر روی سر سازمان تامین اجتماعی خودداری می کند و تلاش دارد با مشاوره های مافیای اتاق بازرگانی سیاست های ضد زحمتکشان را اجرایی کنند. مصوبه هایی ضد قانون اساسی و سازمان تامین اجتماعی. آیا آقای عارف بند ۱۳ از اصل ۳ قانون اساسی را از یاد برده اند که می گوید: «پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه، رفع فقر، برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه، مسکن، کار و بهداشت و تعمیم بیمه»

آیا اقتصاد صحیحی که قانون اساسی گفته این است که دستمزدهای کارگران و مستمری بازنشستگان ۴ برابر زیر خط فقر باشد؟؟ آیا با دست اندازی به منابع سازمان تامین اجتماعی به تعمیم بیمه کمک می کنید؟؟

مافیای لانه کرده در دولت در این فضای ملتهب سیاسی با این مصوبه ها به دنبال ایجاد نارضایتی و دست اندازی و غارت منابع سازمان تامین اجتماعی است. چرا اعضای کانون عالی به این مصوبه غیر قانونی و ضد کارگران و بازنشستگان مخالفت نکرده است؟؟

بازنشستگان و کارگران باید برای حفظ اندوخته های پدران و ۳۰ سال پرداخت حق بیمه در مقابل اینگونه دست اندازی ها اقدام کنند.

یکشنبه های اعتراض در فضای جنگی!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۶ آبان طبق روال همه هفته بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای رشت، تهران، کرمانشاه، اهواز و در شهرهای کرمان و اصفهان بازنشستگان فولاد به میدان مطالبه گری آمده بودند. در کرمانشاه متحد بازنشستگان تامین اجتماعی و فرهنگی و مخابرات در تجمع اعتراضی خود شعار: «دلار شصت و پنجه/ آقازاده رو گنجه/ بازنشسته تو رنجه -جنگ افروزی کافیه/ سفره ما خالیه» در اهواز بازنشستگان شعار: «بیمه های تکمیلی/ یک دزدی تحمیلی - قانون رو کی شکسته/ دولت ورشکسته - ایران پر درآمد/ مسوول بی لیاقت/ چه بر سر تو آورد» در رشت بازنشستگان با در دست داشتن دست نوشته های صنفی منجمله: «حمله به ایران عزیز محکوم است. نه به جنگ، زنده باد صلح» تجمع نموده بودند که پلیس دخالت کرده و آنان را پراکنده کرد. در تهران بازنشستگان متحد تهرانی که از هفته گذشته تهدید به بازداشت شده بودند و یک تن از آنان به پایگاه پلیس احضار شده بود به محل کانون عالی رفته تا در مورد بستن قرارداد با این بیمه به درد نخور و دست اندازی وزارت بهداشت با مصوبه آقای عارف معاون اول رییس جمهور در خصوص برداشت ۲۷/۹ از تامین اجتماعی صحبت کنند که مانند هفته گذشته کسی جوابگوی این بازنشستگان نبود. پلیس حتا در مقابل درب کانون عالی نیز تلاش کرد بازنشستگان را متفرق کند و مانع تجمع آنان شد.

با جو ملتهب بوجود آمده از فضای جنگی نه تنها باعث افزایش احضارها و تلفن های تهدید آمیز شده است بلکه سنگینی فضای سیاسی کشور در شهرهایی که یک پای ثابت تجمعات بودند، بازنشستگان را مجبور کرد این هفته را تعطیل کنند. همین فضای جنگی در یک ماهه گذشته باعث شد برنج ایرانی ۲۰ درصد، رب گوجه ۴۰ درصد و سایر اقلام نیز به تناسب گران شوند. در عوض دلار بازان و سکه فروشان از این فضا استفاده کرده ثروت بیشتری به چنگ آورند. فضای جنگی باعث فقیرتر شدن مردم و ثروتمند تر شدن دلالان گشته است.

با این روند صعودی گرانی، گرسنگان را نمی توان به صبر و تحمل وعده داد. حرف آخر را بازنشستگان فولادی اصفهان و کرمان گفتند: «مشکل ما حل نشه/ هر هفته همین بساط»

یکشنبه های اعتراض! (۱)

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۳ آبان در شهرهای شوش، تهران، رشت، اهواز، بازنشستگان تامین اجتماعی در زیر باران و بازنشستگان فولاد در شهرهای اصفهان، کرمان، دامغان در خصوص خواسته های معیشتی به ویژه گرانی های هر روزه، درمان ناقص و ناکافی، دست اندازی مافیا به صندوق های بازنشستگی، همسان سازی درست و قانونی نه حقه بازی، دستبرد به شستا و غارت اموال تامین اجتماعی با مصوبه های خانه خراب کن ۲۷/۹ معاون اول رییس جمهور و ارسال حق بیمه ها به وزارت دارایی طبق قانون توسعه هفتم و گوش دادن به مشاوره های ننولیبیرالیستی اتاق بازرگانی، اعتراضات هفتگی خود را برگزار کردند. آنچه در این میان حائز اهمیت است احضار بازنشستگان فعال در تهران و رشت به مراکز امنیتی و منع کردن آنان از حضور در تظاهرات ها بوده است. در این میان اعضای هیات مدیره کانون عالی با گذاشتن جلسات هر روزه با آقای سالاری و دادن پاسخ های نامربوط به خواسته های بازنشستگان بویژه در مورد همسان سازی به دنبال ماست مالی کردن این همسان سازی با گفتن حرف مسخره: «منابع برای همسان سازی نیست» هستند. آنان نمی دانند که سطح سواد بازنشستگان آنقدر هست که ۱ درصد مالیات بر ارزش افزوده را محاسبه و به رقم نجومی بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان برسند. این پول کجاست که می گویند منابع برای همسان سازی وجود ندارد؟؟؟ اعضای کانون عالی، هیات مدیره های کانون های شهرها و همدستی با مافیا مانع اصلی بهبودی وضع بازنشستگان هستند.

یکشنبه های اعتراض (۲)!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، به روال همه هفته امروز ۲۰ آبان بازنشستگان تامین اجتماعی در رشت، اهواز، شوش، کرمانشاه و بازنشستگان فولاد در اصفهان و تهران و بازنشستگان فرهنگی در تهران اعتراضات خود را برگزار کردند. در کرمانشاه متحد بازنشستگان تامین اجتماعی و فرهنگی و مخابرات با شعار: «دزدی غارت چپاول/ به اسم همسان سازی - بودجه بندی دولت/ بلای جان ملت» به میدان آمده بودند. در اهواز بازنشستگان با شعار: «آهای رییس دولت /دروغ گفتی به ملت- قانون رو کی شکسته/ دولت

ورشکسته - پیام ما به دولت / خجالت خجالت - جنگ افروزی کافیه/ سفره ما خالی» تجمع خود را برگزار کردند. در شوش با پهن کردن سفره خالی در مقابل فرمانداری و رفتن نمایندگان بازنشستگان به جلسه در فرمانداری در خصوص درمان و ارتقای درمانگاه امام علی به پلی کلینیک را خواستار شدند. در رشت بازنشستگان با در دست داشتن خواسته های خود از جمله ماده های ۹۶- ۵۴ ، تجمع کردند. بازنشستگان فولاد در اصفهان و در تهران بازنشستگان فولاد سراسر کشور در مقابل صندوق بازنشستگی خود خواستار اجرای قانون شدند. همچنین در تهران بازنشستگان فرهنگی بازنشسته در سال ۱۴۰۲ در اعتراض به: «عدم پرداخت ۶۰ درصد پاداش بازنشستگی و تاخیر آن موجب پایین آمدن ارزش پول دریافتی خواهد شد» اعتراض خود را برگزار کردند. در پی اعتراضات اخیر پرستاران در راستای افزایش حقوق و اضافه کاری و کاهش فشار کاری با استخدام کردن پرستار ، در بیمارستان نظام مافی شوش ماماها اعتراض کردند و کارکنان آزمایشگاه و رادیولوژیست در بیمارستان ولایت قزوین تجمع اعتراضی داشتند. نکته مشترک در همه تجمع ها، اعتراض به دولت در طی مدت تصدی امور و برنداشتن قدم اساسی در خصوص مشکلات جامعه و زحمتکشان بود. با آنکه پلیس سیاسی تمام تلاش خود را در طی دو هفته اخیر برای مشارکت نکردن بازنشستگان در اعتراض ها نمود، باز هم بازنشستگان با تمام فشارهای پیدا و پنهان به خیابان آمدند.

درک نکردن سفره های خالی زحمتکشان و مشکلات کمرشکن درمان و فساد موجود در سیستم دولتی و خصوصی و بی مسوولیتی کامل مسوولین در قبال مردم خشم بازنشستگان و دیگر لایه های جامعه را برانگیخته است.

جلسه بازنشستگان تامین اجتماعی شوش با مسوولین شهرستان و استان در خصوص مشکلات درمانی و معیشتی

امروز یکشنبه ۲۰ آبان پس از تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی درب فرمانداری و طبق هماهنگی قبلی جلسه ای در فرمانداری شوش باحضور مسوولین شهری و استانی برگزار گردید. در این جلسه بازنشستگان شهرستان شوش مطالبات و مشکلات صنفی خود را در دویخس درمان و معیشت و خدمات رفاهی بشرح ذیل مطرح که بابخشی از آنها که مربوط به شهرستان بود موافقت های صورت گرفت و برخی نیز با توافقات چند جانبه بزودی عملیاتی خواهند شد و موضوعاتی که در سطح ملی هستند نیز مقرر شد باهماهنگی و همراهی مسوولین شهری و استانی تا حصول نتیجه پیگیری شوند از جمله مهمترین موارد مطرح شده بشرح ذیل میباشد: ۱- معاونت محترم درمان تامین اجتماعی موافقت خود را با ارتقای درمانگاه امام علی شوش به پلی کلینیک اعلام کردند که موجب افزایش خدمات و امکانات آن و شبانه

روزی شدن آن خواهد شد این یکی از مهمترین مطالبات درمانی ما در کوتاه مدت بود که محقق شد. ۲- به پیشنهاد فرماندار محترم و موافقت معاونت کل درمان تامین اجتماعی خوزستان و رئیس بهداشت و درمان شهرستان شوش مقرر شد که توافق نامه دوجانبه ای در جهت کلیه خدمات درمانی و بستری منعقد شود و به کلیه افراد تحت پوشش سازمان خدمات رایگان ارائه نماید و هزینه آن توسط سازمان در راستای ماده ۵۴ درمان رایگان تامین شود. ۳- هماهنگی شد که با حضور مدیریت بیمه اتیه سازان و مدیر بهداشت و درمان شهرستان و کانون شوش جلسه جهت استفاده از امکانات پزشکی، آزمایشگاهی و عکسبرداری با بستن قرارداد با بیمه اتیه سازان جهت رفای حال بازنشستگان فراهم شود. ۴- جهت بازگرداندن امتیاز بیمارستان ملکی که مطالبه اصلی و کلان مطالبه گران بازنشسته در این چند سال بوده و تاکید معاونت درمان استان بر این حق قانونی بود مقرر شد با محوریت فرماندار محترم شوش تقاضای و درخواست بازنشستگان نزد مدیرعامل سازمان و معاونت درمان سازمان و جلسه با هیات امنای و مدیرعامل سازمان از طریق دکتر کعب عمیر صورت گیرد. ۵- با موافقت مدیرکل محترم تامین اجتماعی ساختمان سابق بانک رفای درب تامین اجتماعی به مدت یکسال در اختیار کانون بازنشستگان شوش قرار گرفت. ۶- فرماندار محترم قول مساعدت دادن که در خصوص واگذاری زمین جهت احداث دفتر کانون بازنشستگان شوش با هماهنگی بنیاد و مسکن و شهرسازی و شهرداری شوش اقدامات لازم صورت بگیرد. ۷- به پیشنهاد فرماندار محترم حاج شیبب الکثیر و یکی دیگر از بازنشستگان شهرستان بانظر ایشان بعنوان مشاور امور بازنشستگان فرماندار تعیین شدند.

افراد حاضر در جلسه: فرماندار آقای هویزه/ معاونت سیاسی فرمانداری دکتر چلوی/ شهردار آقای مهرپرور/ امام جمعه شهرستان حاج اقا مرعشی/ معاونت کل درمان استان دکتر عبدی زاده/ مدیرکل تامین اجتماعی استان مهندس روشن/ رئیس تامین اجتماعی شوش آقای امیری/ رئیس درمانگاه امام علی دکتر خانم طرفی. بازنشستگان حاضر در جلسه: حاج شیبب الکثیر/ علی نجاتی/ عیسی شوهانی/ حسن ظهیری/ عیسی مظفری/ حسن الکثیر/ فریدون نیکوفرد. ارسالی از سوی بازنشستگان شوش

دوشنبه های اتحاد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۳۰ مهر بازنشستگان مخابرات در شهرهای اهواز، اصفهان، اردبیل، ایلام، ارومیه، بابل، بیجار، رشت، زنجان، تبریز، سنندج، مریوان، کرمانشاه، خرم آباد برای تحقق خواسته های خود به خیابان آمدند. شورش خاتمه از ۲۲ شهری که بازنشستگان مخابرات همیشه به میدان می آمدند فقط ۱۴ شهر در تجمعات شرکت کردند. به ویژه شهرهای کردنشین که همیشه یک پای ثابت تجمعات بودند نیز ریزش داشتند. حتی بازنشستگان مخابرات تهران نیز این هفته تجمع نکردند. ماه هاست تلاش می شود تا

بازنشستگان متحد مخابراتی را از آمدن به خیابان منع شوند. مافیای مخابرات که پول های افسانه ای از مخابرات به جیب زده اند با نقض قوانین و زیر پا گذاشتن قول ها و تغییر قوانین تلاش کرده آند حقوق بازنشستگان را تا می توانند از بین ببرند. برای حصول به این مقصود دست به دامان نیروهای امنیتی شده و با تهدید کوشندگان تاکنون توانسته اند این جنبش را از کمیت بیاندازند.



از عصر یکشنبه تلفن های ناشناس کوشندگان بازنشسته مخابرات در تهران را با تهدید و ارباب از آمدن به خیابان منع کردند. بازنشستگان با این مستمری های حقیرانه نمی توانند زندگی کنند. سیاست های نئولیبرالیستی ضد کارگری گرانی های هر روزه را دامن زده و عدم نظارت عامدانه بر تولیدکنندگان و دلالتان بازاری با مشاوره های اتاق بازرگانی نمی تواند اعتراض به سفره های خالی را مهار کند.

گرسنگی با تهدید مهار شدنی نیست. به جای مقابله با بازنشستگان، دست های کثیف مافیا را باید قطع کرد.

حقه بازی با همسان سازی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با واریز مستمری بازنشستگان معلوم شد تمام حرف های کانون عالی و مجلس و دولت مبنی بر همسان سازی کلاه گشادی است که به اسم متناسب سازی به سر بازنشستگان گذاشته اند. حقه بازی را به آنجا رسانده اند که ۱۵ میلیون تومان مستمری بگیر را نیز در سطح حداقل بگیر قرار داده اند تا هرچه می توانند کمتر افزایشی به مستمری بگیر تعلق بگیرد. با این حقه بازی به جای اینکه فاصله حقوقی افراد مستمری بگیران حداقل بگیر را افزایش دهند برعکس عمل کرده اند و باید این موضوع را «نامتناسب سازی» نامید. همه مسوولین می نالند که پول برای همسان سازی نیست و این در حالی است که پول برای ورود گوشی های آیفون جهت رفاه حال ثروتمندان و مسوولین مهیا است. از مجلس گرفته تا وزارت کار و کانون عالی حق جلسه های پر و پیمانی برای این حقه بازی به جیب زده اند و در حقیقت برنده این بازی آنان هستند.

بازنشستگان اگر خوش شانس باشند ۷۱۲ هزار تومان همسان سازی خواهند گرفت که با آمدن آذر ماه و افزایش ۴۶ درصدی حق بیمه تکمیلی این ۷۱۲ هزار تومان دود شده به هوا خواهد رفت و باز هم مافیا با دست کردن در جیب ۹۰ میلیون ایرانی با گرفتن ۱ درصد مالیات بر ارزش افزوده که به هزاران میلیارد تومان «۱۰۰۰ همت» سر می زند فقط ۸ همت آن را به حقه بازی همسان سازی تخصیص داده اند. دولت و خزانه داری کل چرا شفاف نمی گویند ۱ درصد مالیات گرفته شده در طی این ۸ ماه چقدر شده است و بقیه این پول سر از کجا در آورده است؟؟

بازنشسته ای که باید حسرت خوردن گوشت و برنج ایرانی را به گور ببرد باید ثروتش برای ورود گوشی آیفون برای آقازاده ها و مافیا هزینه شود. حق بازنشستگان زندگی بالای خط فقر، درمان رایگان و اجرایی شدن ماده ۹۶ و ۵۴ و اصول ۳ و ۴۳ قانون اساسی می باشند. این حق گرفتنی است و تا گرفتن این حقوق، یکشنبه های اعتراض هم پا بر جاست.

واکنش به فروش نان ۱۰۰ هزار تومانی رئیس اتحادیه نانوایان: فقط یک واحد بود



یک روز پس از تایید گزارش‌ها در مورد فروش نان ۱۰۰ هزار تومانی از سوی وزیر کشاورزی، رئیس اتحادیه نانوایان سنگگ تهران می‌گوید «این نان را یک واحد غیرمجاز نانوائی پخته بود که نه پروانه کسب داشت و نه سهمیه آرد به آن تعلق می‌گرفت.» محمد سلیمانی به خبرگزاری ایلنا گفته: «عرضه نان از سوی این نانوائی تخلف بوده» و تایید کرد که این نانوائی در تهران قرار داشته است. وزیر کشاورزی در واکنش به این موضوع گفت: «بله این اقدام در حال انجام است.» غلامرضا نوری قزله‌گفته بود: «یکی از نگرانی‌ها و دغدغه‌های ما پرداخت یارانه زیاد به نان و نرسیدن آن به دست مردم است که بررسی خواهیم کرد» فروش نان ۱۰۰ هزار تومانی در تهران در حالی گزارش شده که پیش‌تر نیز رسانه‌ها اعلام کرده بودند که قیمت نان در نانوائی‌های تهران، با وجود افزایش هفتاد و پنج درصدی نرخ رسمی انواع مختلف آن در شهریور ماه، با افزودن «قیمت‌های دلخواه» نانوائی‌ها، بار دیگر افزایش یافت. در واکنش به این خبرها خبرگزاری «میزان» به نقل از معصومه رضایی، مدیرکل «دفتر هماهنگی امور اقتصادی استانداری تهران» نوشت: «سهمیه آرد این نانوایان قطع خواهد شد» حالا با گذشته یک ماه از این خبرها، از نان ۱۰۰ هزار تومانی در تهران رونمایی شده است.

نگاهی اجمالی به دلیل‌های افزایش حوادث ناشی از کار

تکرار وقایع ناگوار مانند فاجعه جان باختن ۵۳ کارگر در معدن زغال سنگ معدن‌جو طبس در ۳۱ شهریور ماه، در همه بخش‌های تولید، از جمله معدن‌ها، پالایشگاه‌ها و استخراج نفت و گاز، و فعالیت‌های خدماتی و درمانی، ناشی از نبود ابتدایی‌ترین شرایط بهداشتی و ایمنی در محیط‌های کار است. در حالی که علت بروز فاجعه معدن «معدن‌جو» طبس هنوز به‌صورت مستقل و کامل ریشه‌یابی نشده است و وزارت صنعت و معدن ادعا می‌کند که این معدن هنوز تعطیل است، بنا بر گزارش خبرگزاری ایلنا فقط همان بلوک معدن که تخریب شده تعطیل است و کارگران معدن ناچار به سرکار برگشته‌اند. شرایط کار هم مانند همان بلوک معدن است که فاجعه در آن رخ داده است، و احتمال بالای تکرار این فاجعه مرگبار هم وجود دارد. در حالی که بسیاری از اخبار حوادث محیط کار توسط کارفرماها پوشیده نگه‌داشته می‌شوند و پنهان می‌مانند، همواره شاهد اخبار حوادث مشابه در رابطه با نبود شرایط ایمنی و بهداشت در محیط کار در بخش‌های گوناگون تولید و خدمات هستیم: در مصوبه اخیر هیات دولت آمده است: «پیمانکاران لازم نیست برای شرکت در مناقصات مجوز صلاحیت ایمنی داشته باشند.» در ۲۱ مهر ماه در آتش‌سوزی در یکی از واحدهای تجاری مجتمع تجاری پارسیان بازار آهن شادآباد منجر به مرگ سه نفر کارگران زحمتکش تبعه افغانستان و مصدومیت ۷ نفر دیگر شد. در زمان وقوع حادثه این کارگران در اثر نبود شرایط ایمنی داخل مغازه محبوس می‌شوند و جان خود را از دست می‌دهند. همچنین در ۱۹ مهر ماه در مجتمع مس سرچشمه استان کرمان، یکی از کارگران حین انجام کار در واحد تغلیظ مجتمع مس سرچشمه دچار گازگرفتگی (استنشاق گاز هیدروژن) شده است و جان باخته است. کارگران می‌گویند این پنجمین حادثه در دو ماه گذشته در این مجتمع است. در شهریورماه نیز یک کارگر راننده‌گریدر معدن مس سرچشمه به‌دنبال یک حادثه شغلی جان خود را از دست داد. در ۹ مهر ماه یکی از کارگران واحد تعمیرگاه مجتمع مس سرچشمه رفسنجان در حین جابه‌جایی بار لاستیک کامیون‌های فوق سنگین کمپرسی در اثر اصابت یکی از لاستیک‌ها از روی لیفت تراک به سر وی، جان خود را از دست می‌دهد. در روز ۱۴ مهر ماه به علت نبود وسیله نقلیه

مناسب و شرایط ایمنی برای کارگران کشاورزی به‌دنبال واژگونی یک دستگاه تراکتور با تریلی حامل کارگران کشاورزی در محور جاده روستای مورپهن در بخش سده شهرستان اقلید در استان فارس، دو کارگر روستایی جان خود را از دست داده و ۱۱ نفر دیگر مجروح و راهی مراکز درمانی شدند. اشتغال در بسیاری از معدن‌ها و محل‌های بد آب و هوا و از جمله در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی باید جزو مشاغل سخت و زیان‌آور محسوب شوند و علاوه بر کارفرما که باید شرایط ایمنی و بهداشت کار را تأمین کند، در چنین مواردی سازمان تأمین اجتماعی موظف است ۴ درصد هزینه مشاغل سخت و زیان‌آور را پرداخت کند. در بسیاری از معدن‌ها و مراکز تولیدی واقع در مناطق بد آب و هوا از جمله معدن طرزه دامغان از اسفند ماه سال گذشته تا به حال این مبلغ به کارگرانی که حتی بیش از ۳۳ سال سابقه کار دارند، پرداخت نشده است. لزوم تأمین ایمنی در محیط کار و مسئولیت کارفرما و نهادهای دولتی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین شرایط قوانین کار و اشتغال است. مجموعه مواد ۸۵ الی ۱۰۶ قانون کار نیم‌بند جمهوری اسلامی در این مورد برای تأمین بهداشت، سلامت و ایمنی در محیط کار و چگونگی بازرسی از شرایط ایمنی و بهداشت محیط کار مواردی را به صورت البته ضعیف تعیین کرده است. مسئولیت تأمین ایمنی در محیط کار و اجرای این قوانین با کارفرما و وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دولت است. شکی نیست که در مواردی که در محیط کار شرایط و تجهیزات ایمنی لازم وجود ندارد، این کارفرماها هستند که در هر دو بخش خصوصی و دولتی براساس منطق سرمایه‌داری با کاهش هزینه‌های لازم و افزایش سود ورزی هرچه بیشتر، حتا قانون کار نیم‌بند و محدود جمهوری اسلامی را در این مورد اجرا نمی‌کنند. از این جا است که وجود تشکل‌های مستقل کارگری که بتوانند در تأمین شرایط ایمنی نظارت داشته باشند از اهمیت بسزایی برخوردار است. فاجعه معدن معدن‌جو و وقایعی بی‌شمار مانند آن، نشانگر کارنامه سیاهی از فعالیت تشکل‌های زرد حکومتی در حیطة تأمین ایمنی در محیط کار است. فعالیت این تشکل‌ها از محدوده سیاست‌های تعدیل ساختاری فراتر نمی‌رود. بهبود شرایط ایمنی و بهداشت در محیط کار و دستیابی به سایر خواست‌های طبقه کارگر و زحمتکشان در گرو حذف سیاست‌های تعدیل ساختاری و ضد کارگری نولیبرالیستی از جمله مقررات‌زدایی و خصوصی سازی در صنایع تولیدی و خدمات است.

مصاحبه افشاری از بازنشستگان متحد تهران با خبرگزاری ایلنا



مستمری یک معلول به یک میلیون تومان نمی‌رسد «بازنشسته معلول» محکوم به فقر است!

جمعی از معلولان مستمری بگیر می‌گویند: بازنشستگان معلول این روزها در کف هرم معیشتی دریافت کنندگان مستمری قرار دارند و مشکلات آنان بیش از پیش شده است. به گزارش خبرنگار ایلنا، در روزهای اخیر بازنشستگان بسیاری از جمله افراد زیر حداقل بگیر، از کار افتاده و به ویژه بازنشستگان معلول، از مشکلات گسترده خود می‌گویند. این بخش از بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی که عمدتاً فرودست‌ترین بخش جامعه بازنشستگی و سالخورده کشور محسوب می‌شوند، با مشکلاتی حاد و عدیده در زمینه معیشتی، درمانی و رفاهی مواجه هستند. در روزهای اخیر نیز البته احمد میدری (وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی) در دیدار با فعالان حوزه بهزیستی و در دیدار دیگری با موسسات مردم نهاد و خیریه‌های مربوط به معلولان، به مشکلات گسترده افراد سالخورده معلول کشور اشاره و نظرات خود را درباره کاهش بار فشار و فرودستی بر این بخش از بازنشستگان ارائه کرد. با این وجود خود این بازنشستگان معلول و از کار افتاده با همه مشکلات پیگیر حقوق خود هستند و گاهی این پیگیری را تا سطح تجمع در مقابل نهادهای مسئول مثل سازمان برنامه و بودجه با همان حال جسمی ادامه می‌دهند.

محکوم به نادیده گرفته شدن از سوی مسئولان هستیم!

افشاری (ازبازنشستگان معلول سازمان تامین اجتماعی و فعال حقوق بازنشستگان) با اشاره به اینکه «در سال‌های اخیر با همت برخی فعالان پیگیر بازنشسته معلول، مشکلات این بخش از جامعه سالخوردگان کشور توسط مسئولان شنیده شده» گفت: وضعیت معیشتی ما بازنشستگان معلول و از کارافتادگان مشخص است. اینکه در سال‌های اخیر بعد از سال ۱۳۹۶ قیمت بسیاری از کالاها تا ۴۰۰ درصد افزایش یافته بر کسی پوشیده نیست و اینکه ما بازنشستگان معلول و از کارافتاده از بهزیستی و سازمان تامین اجتماعی نسبت به سایر بازنشستگان چقدر دریاقتی داریم نیز قابل بیان است. از سال ۵۹ تا سال ۶۳ هیچ نوع اضافه حقوقی به کارگران انجام نشد. در این دوره کارگران بخاطر آنکه کشور در شرایط جنگ است، با همراهی نخست وزیر وقت و تشکل‌های کارگری، ایثار کردند و از حق خود برای همترازی مزد و تورم گذشتند. اما مزد این ایثار را هرگز متقابلاً از دولت‌های پس از جنگ دریافت نکردند. افشاری تاکید کرد: این روند تا سال ۱۳۹۶ ادامه داشت. همواره افزایش مزد که براساس آن مستمری بازنشسته و از کارافتاده تعیین می‌شود، به میزانی کمتر یا کسری از نرخ تورم افزایش یافت. اما پس از سال ۹۶ فاصله مزد و حقوق از معیشت شکاف عجیبی پیدا کرد. اوج این روند دو سال پیاپی بود که در دوران وزارت آقای صولت مرتضوی صورت گرفت. در یکی از این دو سال افزایش مزد و حقوق نصف نرخ تورم اعلامی بود! این فاصله بی‌سابقه در نوع خود باعث شد که به شکل عجیبی سفره‌ها خالی شود. این موضوع آنقدر موضوعی روشن بود که بدنه کارفرمایی نیز قبول داشت. این فعال حقوق بازنشستگان تصریح کرد: در این دوره این میزان از رنج معیشتی را فقط کارگران حداقل بگیر و بازنشستگان کف و زیر کف بگیر با گوشت و پوست خود کامل حس کرد. در این میان بازنشستگان معلول و معلولین نیز فشار زیادی تحمل کردند. تعداد قابل توجهی از معلولان کشور ما بازنشسته هستند. در ماده ۲۷ قانون جامع معلولین آمده است که دولت باید حداقل باید پایه حقوق تامین اجتماعی را برای معلولین شدید و خیلی شدید، ایجاد کند اما همین میزان هم پرداخت نمی‌شود.

مصاحبه خسرو رنجبر از بازنشستگان متحد تهرانی با خبرگزاری ایلنا



«نان» یک دهم حقوق بازنشستگان را می‌بلعد!

روزگاری نه چندان دور نان جزو کف سبد معیشت بود، قیمتش به حساب نمی‌آمد، اما حالا با تورم سنگین، بیست درصد حقوقم را به تنهایی می‌بلعد. به گزارش خبرنگار ایلنا، دیگر هیچ چیز ارزان نیست، برای کارگر شاغل یا بازنشسته‌ای که ده یا ۱۱ میلیون تومان حقوق می‌گیرد، دیگر گزاره‌هایی مانند «نان و تخم مرغ» و «نان و پنیر» هم به معنای دشواری‌های بنیادین دنیای سخت واقعیت است؛ نان، به تنهایی بخش قابل توجهی از حداقل حقوق یا مستمری را می‌بلعد. در ماه‌های اخیر، قطار گرانی‌ها با سرعت به راه خود ادامه داده و از یک ایستگاه به ایستگاه دیگر رسیده؛ ایستگاه اول، گرانی «نان» بود، بعدی، گرانی لبنیات و بعدتر گرانی گوشت و سایر اقلام... پاندول قیمت لِرزان دلار در بازه

۶۵ تا ۶۸ هزار تومان در حال نوسان است و لاجرم همه چیز، دقیقاً همه چیز برای یک خانواده ایرانی حقوق‌بگیر گران است. در مهرماه کمترین قیمت خوراکی‌ها، آنهم براساس سبد رسمی و حداقلی مرکز آمار ایران، ۲.۳ درصد به نسبت شهریور افزایش داشته است. برای درک بهتر از اوضاع، اقلامی مانند گوشت، تخم مرغ و مرغ را کنار می‌گذاریم، گرانی یک قلم بسیار ساده یعنی «نان» به تنهایی دمار از روزگار کارگران و بازنشستگان فرودست درآورده است. «خسرو رنجبری امجد» بازنشسته حداقل‌بگیر کارگری با بیان اینکه «مگر ما بازنشستگان به جز اجرای قانون و افزایش حقوق به اندازه این تورم سرسام‌آور چه می‌خواهیم» می‌گوید: فقط از یک قلم ساده به نام «نان» که جدیداً افزایش قیمت داشته سخن می‌گویم. مصرف ماهانه نان سنگک در خانواده چهارنفره حدود ۱۰۰ دانه است. قبلاً هر نان سنگک در محله‌ای که ما ساکن هستیم (طرشت تهران) ۵۰۰۰ تومان بود و حالا ۱۰۰۰۰ تومان شده است و این در حالیست که حقوق من مستمری بگیر حدود ۱۰ میلیون تومان است. او ادامه می‌دهد: یک ضرب و تقسیم ساده کفایت می‌کند؛ من بازنشسته قبلاً یک‌بیستم مستمری‌ام صرف خرید نان می‌شد اما حالا یک‌دهم مستمری‌ام برای خرید نان هزینه می‌شود. یعنی تورم نان ده درصد حقوق من را بلعیده است. نان فقط یک قلم خیلی ابتدایی از سفره من بازنشسته است که قاعدتاً نباید در محاسبات هزینه‌های زندگی به حساب بیاید! «در این چند ساله سبد معیشت من و امثال من را آنقدر محدود و غیرقابل دسترس کرده‌اند که قابل تصور نیست». رنجبر با بیان این جمله اضافه می‌کند: روزگاری نه چندان دور نان جزو کف سبد معیشت بود، قیمتش به حساب نمی‌آمد، اما حالا با تورم سنگین، بیست درصد حقوقم را به تنهایی می‌بلعد. وقتی یک‌بیستم حقوق یک بازنشسته صرف خرید نان به تنهایی می‌شود، چطور انتظار داشته باشیم گوشت کیلویی ۷۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومانی سر سفره داشته باشد یا به طور مرتب برای یک بطری شیر حداقل ۲۵ هزار تومانی هزینه کند؟ زندگی این گروه‌های فرودست و کم‌درآمد، زندگی نه، فقط «خوراکشان» چطور قرار است تامین شود، دقیقاً چه معجزه‌ای باید برای گذران امور بلد باشند؟!

گزارش: نسرين هزاره مقدم

مصاحبه ناصر اسالو از بازنشستگان متحد تهرانی با رویداد ۲۴



رویداد ۲۴ | محمد آزاد: دولت می‌گوید حقوق آبان ماه بازنشستگان را با احتساب ضریب همسان‌سازی پرداخت کرده است اما بازنشستگان به هیچ عنوان راضی به نظر نمی‌رسند و حتی این ادعا را دروغ می‌دانند؛ به ویژه بازنشستگان تامین اجتماعی از روند اجرای همسان‌سازی رضایت ندارند. سوال جالب توجه در جریان پرداخت حقوق همسان‌سازی شده این است که سواى هر مسئله دیگر، منابعی که دولت برای انجام همسان‌سازی دریافت کرده کجا هستند. طبق قانون یک درصد مالیات بر ارزش افزوده برای تامین منابع همسان‌سازی در نظر گرفته شده که اکنون دولت هشت ماه است که این یک درصد را از همه ایران دریافت می‌کند. به هر حال؛ هرچند به ظاهر بازنشستگان کشوری و لشکری خبر می‌دهند که بخشی از معوقات خود را دریافت کرده‌اند -و برخی خلاف آن را می‌گویند- اما بازنشستگان تامین اجتماعی همچنان منتظر افزایش حقوق و دریافت معوقات خود هستند؛ با این وجود برخی فعالان حوزه بازنشستگی می‌گویند حتی در صورت اجرای طرح همسان‌سازی هم بی‌عدالتی موجود از بین نخواهد رفت. چرا متناسب‌سازی بازنشستگان تامین اجتماعی اجرا نشد؟ دشواری انجام قضایای صحیح در این باره ریشه در اخبار ضدونقیضی دارد که اکنون نزدیک به ۷ ماه است بازنشستگان را سردرگم و پیگیری اخبار را برای رسانه‌ها دشوار کرده است. ناصر اسالو، فعال حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی در گفتگو با رویداد ۲۴ می‌گوید با وجود آن که افزایش یک درصدی مالیات بر ارزش افزوده از ۹ درصد به ۱۰ درصد اجرایی شده و اکنون ۷ ماه است که این پول در حساب دولت خوابیده است اما هیچ خبری از اینکه این پول چه شده است و چه استفاده‌ای از آن می‌شود برای کانون‌های بازنشستگی روشن نیست. آقای اسالو می‌گوید مستثنی کردن حداقل‌بگیران تامین اجتماعی با اصل هدف ایجاد عدالت در میان حقوق‌بگیران در تناقض قرار دارد. او از دشواری زندگی بازنشستگانی خبر می‌دهد که ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان حقوق می‌گیرند در صورتی که هزینه نان در

یک خانواده بازنشسته ۳ میلیون تومان است. او در نهایت تذکر می‌دهد با این اوصاف از ما انتظار دارند برای اعتراض خیابان را انتخاب نکنیم؟

پرداخت شد؟ پرداخت نشد؟

اگر تاکنون اظهار نظر مسئولان مربوط به اجرای این طرح را نخوانده‌اید به هیچ عنوان وقت خود را تلف نکنید چون چیزی دستگیرتان نخواهد شد. به حرف رییس مجلس و نمایندگان نیز توجه نکنید چون برای نمونه قرار بود اگر رییس‌جمهور - که به محض در دست گرفتن منصب ریاست‌جمهوری زیر کل قضیه همسان‌سازی زد- در این ماه این طرح را اجرایی نکند چه بلاها که بر سر او نیاورند و هنوز که خبری نیست. اما قضیه دشواری‌های ابتدایی‌تری نیز دارد. برای نمونه برخی از بازنشستگان دریافتی‌هایی داشته‌اند و برخی هیچ دریافت اضافه نداشته‌اند و برخی می‌گویند حتی از حقوق آن‌ها کم شده است! در خبری که ایلنا خبرگزاری وابسته به وزارت کار ایران در این زمینه منتشر کرده است می‌خوانید که حتی این رسانه نتوانسته است با مسئولان مربوط به این طرح تماس بگیرد. اما فعالان بازنشستگی برای توضیح برخی از نکات در دسترس هستند.

آقا پول‌ها چی شد؟

آقای اسانلو با توضیح تکلیف دولت بر اساس قانون برنامه هفتم توسعه می‌گوید: «طی سه سال باید حقوق ما به ۹۰ درصد حقوق شاغلین می‌رسید که ۴۰ درصد آن مربوط به امسال است. برای این کار به همه مملکت یک درصد ارزش افزوده اضافه تحمیل کردند. اکنون در برج هشتم سال هستیم و دولت هیچ توضیحی نمی‌دهد که این پول چه شد، میزان آن به چه سطحی رسید و اصلاً مورد چه استفاده‌ای قرار گرفت چون حقوق که افزایش نیافت اسانلو با اشاره به مستثنا کردن تامین اجتماعی از این منبع ادامه می‌دهد: «سازمان تامین اجتماعی که اصلاً مستقل است و اگر صرفاً دولت طلب این سازمان را بدهد مشکل پرداخت حل می‌شود. تا جایی که ما اطلاع داریم این بدهی بیش از ۱۰۰۰ همت است و ما اطلاع نداریم اصلاً چه میزان پرداخت شده است. ما حرف زیاد داریم. برای نمونه بیمه‌های تکمیلی باعث فساد است. تامین اجتماعی وظیفه درمان رایگان را انجام نمی‌دهد و پولی که در شهرهای بزرگ از بیمه تکمیلی دریافت می‌شود رقمی هنگفت است و سبب معطل کردن درمان از سوی تامین اجتماعی می‌شود.» اسانلو در پاسخ به این پرسش که بالاخره با تمام این اوصاف ۴۰ درصد پرداخت شد یا نه می‌گوید: «نه خیر اگر می‌شد که بخشی از مشکل حل شده بود. مضاف بر این چه معنی دارد که حداقل‌بگیران را از این قانون مستثنی کرده‌اند؟ یعنی از ۴ میلیون بازنشسته تامین اجتماعی ۳.۵ میلیون حداقل‌بگیر هستند. یعنی بچه‌ها با ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان دارند از بین می‌روند، برای بهداشت درمانده‌ایم. وقتی هزینه نان یک خانواده

ماهانه ۳ میلیون تومان است، ۷ میلیون تومان حقوق اصلا چه معنی دارد؟ بعد که صحبت اعتراض و خیابان می‌شوند برخورد قهری می‌کنند.»

**ادعای اندک بودن مبالغ متناسب‌سازی و همسان‌سازی واقعیت ندارد
فقدان اراده دولت برای تسویه اقساط دیون خود به تامین اجتماعی!**

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد مسوول سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران
با خبرگزاری ایلنا

بازنشستگان کوتاه نمی‌آیند...

ایلنا: مازیار گیلانی نژاد (فعال کارگری) با اشاره به اینکه در صورت عدم متناسب‌سازی بازنشستگان از حق خود کوتاه نمی‌آیند، گفت: متناسب‌سازی و همسان‌سازی در راستای اجرای اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین ماده ۴۱ قانون کار و ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی در کشور پیشنهاد و اجرا می‌شود و طبق اصل ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی اگر آن سه قانون و اصل را مدنظر قرار دهیم، این طرح باید برای همه بازنشستگان اعم از کشوری و بخش خصوصی و همچنین تمامی آنان شامل حداقل بگیران و سایر سطوح اجرا شود. دولتی‌ها در قانون متناسب‌سازی گفته‌اند که حقوق افراد به نحوی باید همسان‌سازی و متناسب‌سازی شود که دریافتی بنده به عنوان بازنشسته، بعد از سه سال به سطح ۹۰ درصد دریافتی شما به عنوان شاغل برسد. یعنی اگر شما کارگر ماهر دریافت کننده سایر سطوح مزدی با حقوق ۲۰ میلیون تومان باشید، بنده به عنوان بازنشسته همان رده باید ۱۸ میلیون تومان مستمری را پس از سال ۱۴۰۵ دریافت کنم. امسال نیز تکلیف دولت این است که ۴۰ درصد این میزان به مزد شاغل نزدیکتر شود و سال‌های بعد هم دو ۳۰ درصد اضافه شود. لذا باقی باقی‌ها با اعداد برای دولت کارایی ندارد. گیلانی نژاد در واکنش به برخی مدیران صندوق‌ها و دولتی‌ها که مبلغ مستمری را اندک دانسته و بازنشستگان را به عدم تلاش و فشار برای وصول این مبلغ اندک دعوت می‌کنند، گفت: اگر مبلغ

بسیار اندک است که دولت نباید برای پرداخت آن مشکلی داشته باشد. اتفاقاً اگر مبنا اجرای قانون برنامه هفتم توسعه و رسیدن مستمری به ۹۰ درصد مزد شاغل هم رده باشد، مبلغ قابل توجه است. این فعال حقوق بازنشستگان تاکید کرد: مباحثی که از سوی دولت مطرح می‌شود مانند آنکه «فقط سایر سطوح‌ها مشمول هستند»، «فقط ۸۰۰ هزار نفر می‌توانند از متناسب‌سازی و همسان‌سازی بهره ببرند و...» مبنای حقوقی ندارد و آیین‌نامه من درآوردی است. اساس و پایه همسان‌سازی و متناسب‌سازی متوجه همه بازنشستگان است. اگر غیر از این بود با فلسفه متناسب‌سازی در تعارض بود. وقتی ما در سال‌های گذشته به عنوان بازنشسته جمع می‌کردیم و مطالبه‌گری کردیم، هدف‌مان این نبود که بازنشسته سقف بگیرد با مستمری ۲۵ یا ۳۰ میلیون تومانی، چند میلیون تومان بیشتر بگیرد، بلکه هدف ارتقاء معیشت کف‌گیری بود که ۷ میلیون تومان مستمری می‌گرفت! بدون این ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی برای رسیدن مستمری به حداقلی برای زندگی آبرومند نمی‌رسد. این فعال کارگری تصریح کرد: طرح موضوعاتی مثل محدودیت تعداد افراد مشمول متناسب‌سازی بیشتر برای تفرقه در میان صفوف بازنشستگان موجود است. خود تامین اجتماعی نیز که دچار یک مدیریت مافیایی در بخشی از حوزه‌های مدیریتی خود شده است، دقیقاً به این امر اشراف دارد. کسی حق سوا کردن بازنشستگان و تفرقه بین حداقل بگیر و سایر سطوح ندارد. در حوزه کشوری و لشگری گفته بودند که ۸۰ هزار میلیارد تومان بابت افزایش ۱ درصد سهم ارزش افزوده باید مصرف شود. ما محاسبه کردیم و دیدیم که رقم جمع شده شاید بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان باشد. باتوجه به حجم انبوه معاملات و نقدینگی، هر فردی چیزی در کشور بخرد، ۱ درصدش برای بازنشستگان است. دولت موظف است که چون این مبلغ از همه ایرانیان گرفته می‌شود، بازنشستگان تامین اجتماعی را نیز با همین منبع برای متناسب‌سازی حمایت کند. چون این پول از جیب همه می‌رود. گیلانی نژاد بیان کرد: ما از مجلس پیگیر خواهیم بود و انتظار شفافیت داریم که این ۱ درصد ارزش افزوده که پرداخت نمی‌شود، در کجا مصرف شده و چه شده است؟ پیگیری خود را در این زمینه تا سازمان بازرسی کل کشور هم ادامه خواهیم داد تا تکلیف حق الناس مشخص شود. باید مشخص شود که این پول‌ها کجا هزینه می‌شود

سکوت در مقابل گرانی ها!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مایحتاج عمومی هر روز گران می شود و سکوت مسوولین در مقابل این گرانی ها تعجب آور است. تبلیغات شبکه های مجازی و روزنامه ها که درد مردم را ندارند و به دنبال نشر اخبار واردات و قیمت گوشتی آیفون و خودروهای خارجی است. کالاهای لوکسی که برای بخشی از طبقه متوسط و ثروتمند مهم است، بار گذاری و تبلیغ می شود. در حالی که زحمتکشان و به ویژه حقوق بگیران هر روزه مجبورند تعداد بیشتری از مواد غذایی و درمانی را از سبد خانواده حذف کنند که این موضوع در بخش دندانپزشکی سالهاست که از سبد خانواده ها و به ویژه بازنشستگان پر کشیده است. طی دو ماه گذشته گوشت و برنج ایرانی از سفره های زحمتکشان حذف شده و در بعضی از گوشت فروشی ها با معرفی نامه کانون های بی عرضه بازنشستگی به مستمری بگیران گوشت قسطی فروخته می شود. در طی مدت یاد شده گوشت قرمز ۱۰۰ درصد و کیلویی ۱ میلیون ۱۹۰ هزار تومان آن هم در فروشگاه های زنجیره ای فروخته می شود. یعنی یک هفتم حقوق ماهانه یک

مستمری حداقل بگیر سازمان تامین اجتماعی و یک دهم یک کارگر حداقل بگیر. مرغ ۳۰ درصد، پنیر ۲۵ درصد، حبوبات ۲۰ تا ۲۵ درصد، رب گوجه ۴۵ درصد گران شده اند. نان که مهمترین ماده غذایی مردم ایران است با دستور مستقیم دولت بین ۳۰ تا ۱۰۰ درصد بسته به محله های مختلف گران گردید. آمار ارایه شده توسط خانواده های کارگری که از فروشگاه های زنجیره ای دارای تخفیف هستند گزارش شده است. مواد غذایی نام برده شده توسط کارخانه های تولید کننده هم از کیفیت کم کرده اند و هم از حجم آن و هم قیمت آن را افزایش داده اند. تولید کنندگان برای این دزدی آشکار، گران شدن دلار را دلیل عمده عنوان می کنند. دلار طی ۳ ماهه گذشته از ۵۳ هزار تومان به ۶۹ هزار تومان رشد قیمت داشته است. کارگران می پرسند نقش دولت در این تصدی ۱۰۰ روزه چیست؟؟ و برای این گرانی هر روزه چه می خواهند بکنند؟؟ این درحالی است که مافیای لانه کرده در دولت از اجرای قوانین و به ویژه ماده ۴۱ قانون کار و بالا بردن دستمزدها طبق تورم هر ساله خودداری می کنند و حقوق بگیران را با غول گرانی تنها می گذارند. کوچک تر شدن سفره های کارگران و بازنشستگان موجب بیماری های بیشتر و مرگ و میر کودکان و سالمندان خواهد گشت.

امروز طبقه کارگر متوجه می شود که سیاست نابودی تعاونی های مصرف کارگری (امکان) توسط مافیا و با هم دستی خانه کارگر به چه دلیل صورت گرفت. نئولیبرالیسم خواهان بی قانونی و هرج و مرج در هر بخش جامعه و حذف همه امکانات خدمات عمومی است. سالاهاست که تعاونی های مصرف کارگری و تعاونی های مسکن با همدستی مدیران خائن و عوض کردن اصل ۴۴ قانون اساسی با حذف تعاونی ها از اقتصاد و جامعه و حاکم کردن بخش خصوصی و مافیای بازار، به دنبال خرد کردن شخصیت و مبارزات کارگران می باشند. جمله کلیدی مافیای نئولیبرال برای حاکم شدن در جامعه این است: مردم گرفتار وقت مطالبه گری ندارند. هرچه گرفتارتر حاکمیت ما برقرارتر.

مافیا نمی داند مردم ایران یکصد سال است در نبرد برای عدالت اجتماعی هستند و از این گذرگاه های سخت بسیار دیده و گذر کرده اند.

گزارش مالی کانون های بازنشستگان تامین اجتماعی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، جلسه مجمع عمومی کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی در هتل انزلی از تاریخ ۹ آبان شروع و به مدت ۳ روز ادامه یافت که میهمانان ویژه ای چون آقای سالاری مدیرعامل تامین اجتماعی نیز در آن شرکت داشتند. آنچه به بازنشستگان مربوط است موضوع گزارش مالی کانون عالی به جای انتشار برای عموم ۵/۴ میلیون بازنشسته، به دغلكاران کانون های استانی که در پشت هم اندازی دست کمی از کانون عالی ندارند، داده می شود. چرا کانون عالی درآمدها و هزینه های خود را بطور شفاف به بازنشستگان گزارش نمی کند؟ مگر در این گزارش چه نهفته است که بازنشستگان نامحرم هستند؟؟ گزارش مالی به صاحبان سرمایه در کدام قانون منع شده جز قوانین مافیایی؟؟؟ آیا کانون عالی در گزارش مالی خود هزینه های هتل انزلی و ریخت و پاش های آن را به صورت ریز درج کرده است؟ تا بازنشستگان بدانند اینان در هتل انزلی چه می کنند و چه هزینه های از جیب بازنشستگان می شود. آیا گزارش شده به مسوولین میهمان در این مراسم چقدر هدیه!!! به عنوان خرج سفر!!! از جیب بازنشستگان هزینه می شود؟؟؟ یک سکه؟ دو سکه؟؟؟ ۲۰ سکه؟؟؟ چقدر؟؟ در گزارش مالی ارایه شده به سوالات وکیل کانون عالی آقای مینایی پاسخ داده شده است؟؟ از فاکتور سازی ها اسمی برده شده؟؟ شایع است برای خرید خودکار و لوازم التحریر اداری برای یک بار خرید، بارها و بارها فاکتور صادر شده و یا در مورد شایعه غیب شدن تنخواه کانون عالی توسط کارپرداز هم گزارشی در این بیلان آمده است؟؟؟ به هر حال عموم بازنشستگان همچنانکه بارها اعلام کرده اند، باید بیلان مالی کانون های استان، کانون عالی شفاف سازی شود تا مشخص گردد اعضای هیات مدیره ها چقدر از محل سمت خود درآمد دارند؟؟؟ به نظر بازنشستگان مستقل و متحد تهرانی (فلزکار، بافنده سوزنی، چاپ، شهاب خودرو، فیلکو) بازنشستگان تامین اجتماعی باید از بازرسی کل کشور خواستار بررسی اموال هیات مدیره های کانون بازنشستگان تهران و کانون عالی شوند تا مشخص گردد ثروت این افراد از چه طریق و محلی بوده است. بازنشسته گرفتاری که برای یک وام ۳۰ میلیونی باید دوسال انتظار بکشد باید بداند اموالش چگونه تاراج عده ای هیات مدیره های بی خاصیت می شود.

غارت اندوخته های زحمتکشان!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، سهام شرکت پترو پالایش یکی از سودآورترین شرکت های شستا را به فروش گذاشته اند. از سوی دیگر می خواهند زمین ازگل را تهاتر کنند. بیمارستان میلاد را کی فروخته اند معلوم نیست؟؟ پتروشیمی سازند اراک را فروختند تا مستمری ها را به موقع بدهند. آلومینیوم جنوب را فروختند تا همسان سازی را اجرا کنند اما کو؟؟؟ آن گونه که حسن صادقی از خانه کارگر می گوید: «در دوران مدیریت موسوی در تامین اجتماعی ۲۲۰ هزار میلیارد تومان مایملک، سهام، مستغلات، شرکت ها را فروختند آن را با ارزان ترین قیمت»

دست اندازی و چپاول بانک رفاه که با پول کارگر به بانک رفاه کارگران تبدیل شده بود و پشتوانه مالی بازنشستگان و طبقه کارگر بود را از دست زحمتکشان به در آوردند.

مافیای خیمه زده در سازمان تامین اجتماعی همه اموال بازنشستگان و کارگران را خواهد فروخت تا سازمانی نباشد که مستمری بدهد، درمان رایگان و مناسب به زحمتکشان ارایه دهد. مافیا که از اقتصاد دانی چون موسی غنی نژاد و نیلی مشاوره می گیرد به مدیران تحت آموزش خود الفا می کند چیزی به نام خدمات اجتماعی نباید وجود داشته باشد. هر کس پول دارد زندگی کند، هرکس ندارد برود بمیرد.

مدیران مافیایی لانه کرده در تامین اجتماعی به جای دریافت طلب های سازمان از دولت و کارفرمایانی چون ایران خودرو، نوب آهن، سایپا، شرکت واحد، پیمانکاران دغلکار مفت و گاز که حق بیمه سختی کار کارگزارانشان را ماه به ماه نمی پردازند، دست به فروش که چه عرض کنیم، مفت فروشی اموال زحمتکشان دست زده اند تا سازمان تامین اجتماعی را به ویرانه ای تبدیل کنند و بعد هم بازنشستگان را به بهزیستی و کمیته امداد بفرستند.

هوشیار باشیم و از اموال خود محافظت کنیم.

این گونه تامین اجتماعی را ورشکسته می کنند!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در مدت مدیریت خانه خراب کن موسوی و صولت مرتضوی وزیرکار پیشین بیش از ۲۲۰ هزار میلیارد تومان سهام، املاک، مستغلات، و شرکت ها را با زد و بند فروخته و یا در حقیقت از اندوخته کارگران و بازنشستگان به جیب رانتخوران و مافیا رفته است. عباسعلی کیا رییس کانون عالی کارمندان بازنشسته تامین اجتماعی به خبرگزاری ایلنا گفته است: «خرید سهام بی ارزش و گران تر از قیمت اصلی هلدینگ مفید به قیمت ۱۰ میلیارد دلار بدون برگزاری مزایده توسط مدیرعامل شستا در آخرین روزهای وزارت مرتضوی خیانت به بازنشستگان بود» وام تحقیرآمیز ۳۰ میلیون تومان ۲ سال است به بازنشستگان در انتظار نمی دهند، مستمری ها را با تاخیر پرداخت می کنند، بیمارستان های تامین اجتماعی را پولی کرده اند، دارو و درمان را از بیمه پردازان دریغ می کنند، پول مراکز پزشکی، بیمارستان، داروخانه ها و آزمایشگاه های تحت قرارداد را نمی دهند در عوض وام های چند میلیاردی ۴ درصدی با باز پرداخت طولانی مدت به مدیران بی عرضه و دزد شستا می دهند، حقوق های چند صد میلیونی به مدیران دست نشانده مافیا در تامین اجتماعی و شستا می پردازند تا بگویند تامین اجتماعی ورشکسته است و پولی ندارد. آری اگر دزدی های مافیایی از تامین اجتماعی صورت نگیرد، تامین اجتماعی نه تنها ورشکسته نیست بلکه قادر است درمان صفر تا صد رایگان و مستمری در خور انسانی به بازنشستگان بپردازد.

سازمان تامین اجتماعی یکی از دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر است که از پیش از سالهای ۱۲۸۰ در فکر و اندیشه مبارزان زحمتکشان شکل گرفته و بیش از ۱۰۰ سال است که با اندوخته های کارگران ایجاد شده است. پدران ما برای آینده فرزندانمان که ما باشیم در به دری، اخراج، شکنجه و مرگ را به جان خریدند تا امروز ما کمی آسوده تر زندگی کنیم. این دستاورد پدرانمان را که از اندوخته هایمان شکل گرفته است، پاس بداریم.

خدمات تامین اجتماعی در خدمت ثروتمندان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در بیمارستان های تحت مالکیت سازمان تامین اجتماعی ارایه خدمات VIP به اتباع کشورهای خارجی و ثروتمندان راه اندازی شده است. بیمارستان میلاد، بیمارستان غرضی اصفهان و بیمارستان تامین اجتماعی شهریار از آن جمله اند. در این بیمارستان ها یک طبقه با تجهیزات پزشکی به روز و کادر درمانی حرفه ای با نرخ دلار، خدمات دهی به هرکسی که ثروتمند است، را آغاز کرده و در کمال بی شرمی از بستری کردن بیمه شدگان که صاحب اصلی این بیمارستانها هستند در این بخش خودداری می کنند. وقتی مافیا با نگاه نئولیبرالیستی به درمان نگاه می کند می شود این چیزی که مشاهده می کنیم. از جیب و امکانات بیمه شده به ثروتمندان خدمات دهی می شود و معلوم نیست این دلارها در کجا و برای چه منظوری خرج می شود. بی تردید برای توسعه و بهبود خدمات دهی به بیمه شدگان نیست و معلوم نمی گردد مافیا با این پول ها چه می کند که حتمن با کانون عالی بازنشستگان و مدیریت درمان تامین اجتماعی و کانون بازنشستگان تهران دستشان در یک کاسه است. این در حالی است که بیمه شده برای یک MRI باید چندین ماه در نوبت باشد. و آیا عمرش به زمان MRI برسد یا نه. بیمه شده چون پول ندارد که به مافیا بدهد باید در نوبت درمان بمیرد.

اینکه چه زمانی و چه کسانی این تصمیمات را گرفته اند و چرا از بیمه شدگان پنهان کرده اند و چرا کانون عالی و کانون تهران سکوت مرگ گرفته اند می تواند دلایل مختلفی داشته باشد. از جمله اینکه خود این افراد و خانواده هایشان از این رانت استفاده می کنند متاسفانه درآمدهای تامین اجتماعی در خدمت رفع کمبود پزشکان متخصص، رادیولوژیست، سونوگرافی نمی شود.


نئولیبرالیسم یعنی پول داری زنده بمان، نداری برو بمیر.

جان باختن عادی ترین موضوع در غزه!



زیر گرفتن نظامیان صهیونیست اسرائیلی با کامیون در مرکز تل اویو و ترس و وحشت در سراسر سرزمین اشغالی فلسطین که اسرائیل نامیده می شود یک عکس العمل طبیعی از ملتی است که چیزی جز جانش برای جنگیدن ندارد. این تازه آغاز راه است!

دهها هزار زن فقط در غزه برای انجام عملیات انتحاری اعلام آمادگی کرده اند.

این گمان ساده لوحانه و احمقانه ای است که هزاران زن و مرد و کودک یک شهر و سرزمین را هر طوری که دوست دارید کشته و تحقیر و سپس در همسایگی آنها با آسایش زندگی کنید؟! 

غذا و آب و دارو و حق حیات را از آنها گرفته اید و ابتدایی ترین حقوق انسانی شان بمباران و لگد مال کرده اید. رهبران جان بر کفشان را کشته اید و رقص و پایکوبی کرده و جام شراب سرکشیده اید....! چه انتظاری از آنها دارید؟ خواب خوش نخواهید داشت! این تازه آغاز راه است. دهها هزار زن فقط در غزه برای انجام عملیات استشهادی اعلام آمادگی کرده اند و این ملت نشان داده است تسلیم نخواهد شد و جانباختن عادی ترین چیزی است که بدان فکر می کنند

نمی‌دانم چه کسی وطن را فروخت!؟



جنگ پایان خواهد یافت،

و رهبران با هم گرم خواهند گرفت.

و باقی می‌ماند آن مادر پیری

که چشم به راه فرزند شهیدش است

و آن دختر جوانی

که منتظر معشوق خویش است

و فرزندان

که به انتظار پدر قهرمانشان

نشسته‌اند،

نمی‌دانم چه کسی وطن را فروخت

اما دیدم چه کسی

محمود درویش شاعر و نویسنده فلسطینی

بهای آن را پرداخت....

برنامه نهادهای سندیکایی و مدنی در برابر روایت های زهرآگین و سمی چگونه در شرایط فشار مضاعف به تلاش های مدنی و صنفی سرعت بدهیم؟

دولت های اقتدارگرا و عوامل آنها، فضای مدنی را محدود می کنند و سعی می کنند صداهای منتقد یا آنهایی را که وضعیت موجود را به چالش می کشند، ساکت کنند؛ با راه اندازی کارزارهایی برای تخریب چهره فعالان و تولید گزارش های متنی. حکومت های اقتدارگرا و عواملش این کارزارها را راه اندازی می کنند تا کنشگران را بدنام کنند و اعتبار آنها را در میان مردم از بین ببرند. در ایران نیز انجمن ها، گروه های ثبت نشده، گروه های دانشجویی، فعالان صنفی و کارگری و غیره در زمره گروههایی هستند که حاکمیت و عوامل پیدا و پنهان و دوستان نادان تلاش می کند، با زدن برچسب های امنیتی چهره ای غیرواقعی از آنان منتشر کند. اما در چنین مواقعی، چه باید کرد و فعالان مدنی و کارگری چگونه می توانند با کارزار دستگاههای امنیتی و حاکمیتی برای کوچک سازی فضای فعالیت صنفی و مدنی از طریق ترویج سناریوی «دروغ» مقابله کنند و آن را به چالش بکشند و ارزش ها و روایت های واقعی خود را به افکار عمومی ارائه دهند؟؟

۱- مخاطب خود را بشناسید

۲- مستند و بدون توهین بحث و پاسخ دهید

۳- گزارش کار و فعالیت خود را در معرض دید همگان قرار دهید

۴- دیگران را به همکاری فراخوانید

(بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک)

جامعه استبدادی با ما چه می‌کند؟

در جامعه استبدادی مسائل برعکس جریان دارد. شما جای هر کلمه را با همسایه‌های آن و با مدارج بالای آن به راحتی می‌توانید عوض کنید. نه مخاطب شما از این بابت احساس شرمساری خواهد کرد، و نه جامعه شما را مورد انتقاد قرار خواهد داد که این کسی را که تو مثلاً فلان عنوان را به او داده‌ای، او دارای چنین مقامی نیست. تجاوز در حریم کلمات در جامعه استبدادی چنان راحت انجام می‌شود که خیلی به آسانی میتوان کلمه "پاپ" را -که مفهومی منحصر به فرد و هیچ‌گاه در تاریخ دو تا نبوده است- اندک اندک بر هر دربان و کشیشی، اطلاق کرد و این تجاوز به حدود کلمات را تا آنجا گسترش داد که در هر روستایی چندین پاپ در عرض هم وجود داشته باشند....

همانطور که در جامعه استبدادی می‌توان به حقوق افراد تجاوز کرد، به حدود کلمات هم میتوان تجاوز کرد، و همانطور که در جامعه برخوردار از آزادی و قانون به حقوق افراد نمی‌توان تجاوز کرد، به حدود کلمات هم نمی‌توان تجاوز کرد. از این روی زبان، قلمرویی است که از مطالعه در آن می‌توان به حدود رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی موجود در آن جامعه پی برد

دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

«خاصیت نولیبیرالیسم»

یکی از خصوصیت‌های پلید سیستم سرمایه داری نولیبیرالی این است که شریف زیستن را مدام دشوارتر می‌کند. رواج دلالی، نابودی تولید و صنعت و افزایش افراد بیکار بر اخلاق و وجدان جامعه اثر منفی می‌گذارد. سرمایه داری نولیبیرالی کارش این است که هر روز آدم‌های بیشتری را مجبور به انتخاب بین شرافت و آسایش کند.

چرا کنشگران در بدترین شرایط اجتماعی و سیاسی به مطالبه‌گری ادامه می‌دهند؟

آیا فقط به اهداف ایمان دارند؟ یا اساسن نمی‌ترسند؟

راز ظرفیت ویژه در کنشگری

کنشگران ترس را سرکوب نمی‌کنند بلکه برای ترس‌های خود پاسخ‌های شخصی قانع‌کننده می‌یابند. آن‌ها با وجود ایمان به توانایی خود و جمع، خود را کورکورانه به خطر نمی‌افکنند. آن‌ها در این فرایند به کارکرد پتانسیل‌هایی آگاه می‌شوند که تاکنون ممکن بود مورد غفلت قرار بگیرد و درک ظرفیت‌های ویژه آن‌ها را شجاع‌تر می‌کند.

آن چیزی که مردم را می‌ترساند سرکوب نیست، روبرو شدن با شرایط غیرقابل پیش‌بینی‌ست

بسیاری از کنشگران به دلیل تجربه و برخورد با سناریوهای مختلف، با طیفی از رفتارهایی که ممکن است برای آن‌ها اتفاق بیفتد آشنا می‌شوند و به مکانیسم روبرو شدن با تک‌تک این شرایط مجهز می‌شوند.

در گام بعدی، فعالان قدیمی و با تجربه در روند مطالبه‌گری شماری از کنشگرانی را می‌سازند و وارد بخش رهبری می‌کنند تا به جای تاکید بر انگاره «تربیت نخبه شجاع» خرد جمعی را حاکم می‌کنند و می‌کنند در این فرایند برای اقدام فرای توانایی جمع، عاملیت را به طیف وسیعی از مردم می‌سپارند تا هزینه رفتار جمعی سرشکن شود.

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

ادبیات کارگری ایران- ۵

میرزاده عشقی؛ شاعر شهید

آن زمان که سیدمحمدرضا کردستانی (۱۲۷۲-۱۳۰۳ش) به مبارزه سیاسی روی آورد و روزنامه تأسیس کرد هنوز در اوایل جوانی بود. چنین کاری در بیست سالگی شجاعت و ابتکار زیادی لازم دارد و او از این توان برخوردار بود. همین روحیه را نیز تا پایان زندگی کوتاه خود حفظ کرد. در عاقبت نیز همین منش متهورانه و زودرس، به شهادتش منجر شد.

سیدمحمدرضا که با نام میرزاده عشقی شهره شد در شهر همدان به دنیا آمد. در مدرسه فرانسوی آلیانس درس خواند و ضمن کار مترجمی برای بازرگانی فرانسوی، این زبان را به خوبی آموخت. با انقلاب سیاسی مشروطیت به مبارزان پیوست و در سال ۱۲۹۲ روزنامه «نامه عشقی» را در همدان به راه انداخت و به دفاع از دستاوردهای انقلاب پرداخت.

با آغاز جنگ عالمگیر اول، ایران عزیز توسط قوای بریتانیا و روس اشغال شد و آزادیخواهان و میهن دوستان به خطر افتادند. عشقی به مهاجرت ناگزیر شد و راهی استانبول گردید. این زمان او بیست و یک ساله بود. در طی راه که از بغداد به سوی موصل میرفت ویرانه های کاخ مداین را دید. این دیدار، توفانی در دل و فکر وی انداخت. چنان شوریده شد که منظومه «کفن سیاه» را سرود. این نخستین منظومه کارآمد و پخته او شد. هرچند قبل ترها اشعاری گفته بود ولی این حس و هنر را به جد نگرفته بود. اما اینبار چنان شور و عشقی در دلش به پا خاست که سرپایش را بسوخت و از سوخته اش شاعری سربرآورد با سروده هایی جاودانه. در این شعر از عظمت پیشین ایران یاد کرده و به دفاع از آزادی زنان پرداخته است.

بعدها با مضمونی شبیه به همین، منظومه «رستاخیز شهریان ایران» را سرود که این نیز در وصف شوکت و جلال ایران بزرگ بود. در این منظومه نیز کوشید از قالب ها و ترازهای جدیدی در سرایش مضمون بهره گیرد؛ سخن نو خود را در جامه نو دراندازد. شخصیت هایی از زمان باستان ایران را در شعر آورد، در دل صحنه و رخداد قرار داد.

روایت هایی را در شعر پدید آورد که تازگی داشت. با زبان شعر، داستان سازی کرد. نوعی نوین از قصه پردازیهای حکیم فردوسی و حکیم نظامی را زنده ساخت. بیتی از این منظومه:

«این خرابه قبرستان، نه ایران ماست،

این خرابه ایران نیست، ایران کجاست؟» (شفیعی کدکنی: ۴۱۵)

به مناسبت نوروز ۱۲۹۷ منظومه «نوروزی نامه» را در قالبی نو در انداخت، به ستایش از وطن و وصف طبیعت آن پرداخت با صحنه-آرایی های بدیع. همان زمان این منظومه در استانبول چاپ و منتشر شد.

در تمامی این اشعار از عظمت دیرین ایران یاد نموده برای از کف رفتن شکوه گذشته اش غمگساری کرده است. این خصیصه نیک ما-ایرانی هاست که هرگاه در فشار سیاسی و اجتماعی واقع می شویم یا تحت حمله بیگانگان قرار می گیریم، گذشته ایران بزرگ را به خاطر می آوریم و به خود یادآوری می نمایم که همچنانکه در آنزمان ها دارای عظمت و استقلال بوده ایم، می توانیم به خود آییم و در شاهراه پیشرفت بیفتیم. ایران را باز بسازیم و به شکوه لایق خود برسانیم. و همه اینها جز از مسیر آزادی، استقلال، عدالت و مساوات میسر نمی شود.

با وجود این ها، یاد از مصایب زحمتکشانشان جزو مضامین اساسی در اشعارش

بودند. در قصیده‌های با نام «نامه عشقی» چنین سروده:

«چه انصاف است این، ای دهخدا، دهقان به صد زحمت،

بپاشد تخم و در آخر، تو اربابِ ثمر گردی؟

چه نازی ای توانگر، بر خود و بر ضربِ شست خود،

به زور بازوی مزدوریان، اربابِ زر گردی؟...

از این زیر و زبر گردی و بنیان و بن، ای گردون!

من آن خواهم که از بنیان و پی، زیر و زبر گردی» (عشقی، نسخه سپانلو: ۹-
(۶۸)

با پایان گرفتن جنگ، عشقی به ایران بازگشت و به حزب سوسیالیست به رهبری سلیمان میرزا اسکندری پیوست. از این زمان به بعد به نشر مقالات و اشعاری در دفاع از حقوق و منافع زحمتکشان روی آورد.

مثال از شعر «عید کارگران»

«بر کارگر ز کار بیکار،

نوروز بود بلای جانسوز.

هر روز که یک غنی بمیرد،

فیروز مبارکست آن روز.

گر جمله اغنیا بمیرند،

گردد همه روز عید نوروز» (منیب الرحمان: ۶۷)

با توطئهٔ بریتانیا برای نابودی استقلال ایران و همدستی مزدور بنام آنها و ثوق الدوله برادر قوام السلطنهٔ خائن، مبارزهٔ عشقی و دیگر میهن دوستان با قرارداد واگذاری ایران به بریتانیا شدت گرفت (۱۲۹۷). عشقی به دستور و ثوق الدولهٔ وطن فروش که نخست وزیر بود، دستگیر و زندانی شد. دو بیت از قصیدهٔ «زندانی شدن شاعر»:

«نگهداری این کشور، اگر ناید ز دست تو،

چرا با دست خود بدهی به دست انگلیسانش؟...

گنجهکارم من آر پایند استقلال ایرانم،

و یا خاطر پریشانم ز اوضاع پریشانش» (عشقی، نسخهٔ سپانلو: ۱۰۲-۱۰۱)

پس از آزادی، روزنامهٔ قرن بیستم را به راه انداخت (۱۲۹۹) و به مبارزهٔ بی امان با وطن فروشان و دشمنان آزادی و استقلال ایران ادامه داد. که چهار شماره از آن منتشر شد. نمونه از شعر «عشق وطن»

«خاکم به سر، ز غصه بهسر خاک اگر کنم،

خاکِ وطن که رفت چه خاکی به سر کنم؟...

من آن نیم به مرگِ طبیعی شوم هلاک،

وین کاسهٔ خون به بسترِ راحت هدر کنم» (همان: ۳۹)

استعمارگران بریتانیایی که از روش قبلی به نتیجه نرسیده بودند، نقشه ای دیگر پیش کشیدند و کودتای سیدضیاء و رضاسوادکوهی را به راه انداختند (اسفند ۱۲۹۹)، که هم ظاهری ملی داشته باشد و هم منافع استعمار محفوظ بماند. آش در هم جوشی که تا چندی، آزادیخواهان را فریب داد و گنجشک رنگ شده

استبدادی را قناری آزادی فرض کردند. در همین موقع روزنامه «قرن بیستم» را که تنها چهار شماره منتشر کرده بود توقیف کردند؛ و تا حدود هجده ماه اجازه انتشار نیافت. در ۱۳۰۱ دوباره منتشر شد که هجده شماره پایید، تا زمان شهادت عشقی.

در سال ۱۳۰۳، رضاسوادکوهی که اینک نخست وزیر شده بود تخم دروغین جمهوری خواهی را بر زبان ها انداخت در حالی که این پوستین بره بود در تن گرگی خونخوار. عشقی با این نیرنگ در افتاد و رضاخان را رسوا نمود.

در بهار ۱۳۰۳، منظومه «ایده آل دهگان (سه تابلوی مریم)» را منتشر کرد. در آن ستم و اغوای ملاکان و اشراف را عیان، و زندگی پر از رنج دهقانان را نشان داد. زحمتکشانی که هم در عرصه اجتماعی و هم تولید، کار و مبارزه می کنند و زندگی شان توسط ملاکان، خانها و اشراف تاراج می گردد؛ آبرو و ناموس شان هم آسیب می بیند. این منظومه سراسر صحنه هایی زنده است از طبیعت و اوضاع اجتماعی و اقتصادی زمانه از جمله آنچه که بر سر انقلاب مشروطه آمد که با روش واقعگرایانه پرداخت شده و زبانی روایی دارد.

در آخر نیز ایده آل های انقلابی خود را بیان می کند که نابودی ستمگران است با انقلاب؛ و آزادی زحمتکشان از یوغ استثمار مالکان. ابیاتی از منظومه «تابلوهای ایده آل دهگان (دهقان)»:

«تمام مملکت، آن روز زیر و رو گردد،

که قهر ملت با زور روبه رو گردد.

به خائنین زمین، آسمان عدو گردد، ...

بسیط خاک ز خون پلیدشان رنگین.

وزیر عدلیه‌ها بر فراز دار روند،
 رئیس‌نظمیه‌ها سوی آن دیار روند،
 کفیل‌مالیه‌ها زنده در مزار روند،
 وزیر خارجه‌ها از جهان کنار روند.
 که تا نماند از ایشان، نشان به‌روی زمین.
 بساط بیشرفی ز آن سپس خورد برهم، ...
 دگر نماند در این مُلک، از این قبیل آدم.
 همی شود دگر ایران زمین بهشت برین.
 دگر در آنگه، وجدان کُشی هنر نَبود،
 شرف به اشرفی و سکه‌های زر نبود،
 شرف به دزدی کف رنج رنجبر نبود،
 شرف به داشتن قصرِ معتبر نبود.

شرف نه هست درشکه، نه چرخهای زرین» (آرین پور: ۷۸-۳۷۷).

مبازرات افشاگرانه‌ی وی علیه اقدامات فریبکارانه و مقاصد استبدادی رضاخان شدت گرفت. مقالاتی تند علیه رضاخان نوشت با چاپ کاریکاتورهایی که او را نشان گرفته بودند. این رویه را رضاخان تاب نیاورد و دستور داد عشقی را به قتل برسانند. در صبحگاه دوازدهم تیرماه ۱۳۰۳، دو آدمکش از مزدوران شهربانی به خانه‌ی اجاره‌ای او وارد شدند. او را در حیاط به گلوله بستند و

گریختند. عشقی ثلوثلوخوران از خانه درآمد، در جوی جلوی خانه افتاد و در خون خود غسل نمود. همسایگان رسیدند و او را به مریض‌خانه شهربانی بردند. ساعاتی بعد در گذشت. دوستانش از جمله محمدتقی بهار خبر شدند و جسدش را به خانه آوردند، بر تنها مفرش اتاق که حصیر بود خواباندند. فردا، قریب سی هزار تن از مردم تهران جسد شاعر آزاده را همراهی و در ابن بابویه دفن کردند. این مراسم به تظاهراتی علیه حکومت رضاخان تبدیل شد.

عشقی انسانی به تمام معنا آزاده بود. هرآنچه از مال پدری داشت در راه آزادی و نشر آن صرف نمود. مهاجرت و دربه‌دری در دیار بیگانه را به جان خرید. با آنکه در استانبول در فقر می‌زیست، دست از مبارزه نکشید. وقتی هم به تهران بازگشت همین منش را پی گرفت. ازدواج نکرد و از خود خانه‌ای نداشت. گرد نام و مقام نگشت. در پی عیش و تن‌آسایی نبود. تمامی عمر را در تنگدستی و با سرافرازی زیست. با سیلی مقاومت و سربلندی گونه‌های خود را سرخ می‌نمود. هرگز چیزی را برای خود نخواست. هرآنچه را که در نظر داشت همان مقاصد میهن‌دوستانه، آزادیخواهانه و دفاع از حقوق توده مردم بود.

عشقی دلبسته آرمانهای برآمده از مشروطه بود، مانند حفظ استقلال ایران در ستیز با استعمار بریتانیا و روسیه تزاری، مبارزه با مزدوران داخلی استعمار، دفاع از آزادیهای مدنی از جمله آزادی زنان، عدالت‌طلبی، مساوات‌خواهی و ترقی برای ایران در عرصه علوم و صنایع. او تحقق این خواستها را با ایجاد انقلابی بنیادی میسر می‌دانست، که تمامی عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در بر بگیرد؛ به آزادی مردم ایران، به خصوص زحمتکشان منجر گردد، عدالت و مساوات را برقرار سازد. از این رو انقلاب خونین را ترویج می‌کرد. مثال از رباعی «لزوم انقلاب»:

«این مُلک، یک انقلاب می‌خواهد و بس،

خونریزی بی حساب می خواهد و بس.

امروز دگر، درختِ آزادی ما،

از خون من و تو، آب میخواهد و بس» (همان: ۹۸)

عشقی از انقلابی ترین انسانهای روزگار خود و از برجسته ترین شعرای مبارز در آن عهد به شمار میرود. به همین سبب حکومت های استبدادی، فاسد و ضد مردمی هیچگاه اجازه نداده اند اشعارش به طور کامل منتشر شوند یا به کلی از چاپ آنها جلوگیری کرده اند.

سرگذشت عشقی نشان داد عاقبت وطن دوستی و عدالت خواهی در حکومت های استبدادی و بیگانه با مردم، چه قدر گزاف است؛ به بهای جان! خود در رباعی «دولتِ رنجبر» چنین سروده:

«اعلانِ زوالِ سیم و زر خواهم داد،

دولت همه را به رنجبر خواهم داد.

یا افسر شاه را نگون خواهم کرد،

یا در سر این عقیده سر خواهم داد» (عشقی، نسخه سپانلو: ۹۸)

عشقی در فدای جان خود برای عدالت و مساوات فروگذاری نکرد. مصداق صافِ بینش و منشِ مردمی شد، پشتیبان راستین زحمتکشانشان.

محمدمسعود ** پاییز ۱۴۰۳

مآخذ: عشقی، میرزاده. برگزیده اشعار زیر نظر محمدعلی سپانلو، با گفتاری از فرح سیدابوالقاسم. تهران. سازمان چاپ احمدی. چاپ اول. ۱۳۷۴.

منیب الرحمان. شعر دوره مشروطه. ترجمه یعقوب آژند. تهران. نشر روزگار. چاپ اول. ۱۳۷۸.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. با چراغ و آینه. تهران. انتشارات سخن. چاپ چهارم. ۱۳۹۲. آرینبور، بحیی.



وقتی کلی را دوست دارید آن را
می چینید اما وقتی عاشق کلی
هستید آن را هر روز آبیاری می
کنید فرق بین عشق و دوست داشتن این است.

چارلی چاپلین

بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی! (۳)

بحث بدهی های دولت به سازمان تامین اجتماعی تنها به تحمیل حق بیمه ها و برداشت های زمان جنگ و حقوق های نجومی به مدیران فاسد و بی عرضه خلاصه نمی شود، بلکه به خاصه خرجی های مسوولان سازمان تامین اجتماعی هم مربوط می گردد.

۱- بدهی دولت در خصوص فروش بیمارستان های تامین اجتماعی به دولت در زمان آقای رفسنجانی (۲۸) مورد

۲- بدهی دولت در خصوص فروش کارخانه های شستا به دولت از جمله کارخانه «تولیدی ابزار برشی ایران یا تابا واقع در شهر صنعتی «هله جرد» کیلومتر ۱۲ جاده قدیم کرج به قزوین به سازمان انرژی اتمی در سال ۱۳۸۶ به مبلغ ۵ میلیارد تومان، کارخانه دیگری در اشترجان اصفهان به مبلغ دو میلیارد تومان در سال ۱۳۸۷ (اطلاعات کامل تعداد این فروش ها را حسین کمالی، محبوب و آقای صادقی دارند)

۳- پرداخت ۲ میلیون دلار به ویلموتس مربی تیم ملی فوتبال

اما بدهی های قدیمی تری هم هست که هیچکس صدایش را در نمی آورد و آن هم ۳ درصد پرداختی دولت ها از زمان دولت امیرعباس هویدا نخست وزیر شاه که در بند ۱ ماده ۲۸ قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ تاکنون پرداخت نشده است. یعنی نزدیک به ۵۰ سال است که هم مسوولان دوران شاه و هم مسوولان دوران کنونی قانون را رعایت نکرده و حق الناس را خورده اند یک آب هم رویش.

عدم تمکین به قانون و برداشت های غیرقانونی از اندوخته های زحمتکشان، عدم پرداخت هزینه بیمارستان ها و کارخانه های خریداری شده، تحمیل شهروندانی که باید دولت متحمل درمان و وضعیت زندگی شان باشد طبق اصل ۲۹ قانون اساسی به اندوخته های زحمتکشان، مصیبت هایی است که بر سر

تامین اجتماعی آورده اند و هم اکنون زمزمه ماست مالی کردن این بدهی ها فرا رسیده است. بدهی جاری و هرساله دولت بالغ بر ۳۲۴ همت است.

اگر بیمارستان ها همچنان در تملک تامین اجتماعی بود آیا وضعیت درمان بازنشستگان و خانواده های کارگری اینگونه بود که چند ماه به چند ماه در صف گرفتن خدمات بمانند؟

اگر بدهی های دولت از زمان نخست وزیر شاه تا کنون به سازمان داده می شد آیا وضعیت مستمری ها اینگونه بود؟

۱۰۰۰ میلیارد & ۱۰۰۰ میلیارد تومان بدهی دولت به تامین اجتماعی تا امروز است که باید با دادخواهی و مبارزه متحدانه از این مافیای چنبره زده بر تامین اجتماعی بستنیم و این مافیا را از اندوخته هایمان دور نگه داریم. کانون های بازنشستگان و کانون های شهرها همدست این مافیا هستند و خرده ریزه دزدی های مافیا را برای خود بر می دارند و برای خود کارخانه می خرند و ثروت می اندوزند. اینان هیچ به فکر بازنشستگان و کارگران نیستند.

از دوران شاه و چه دوران کنونی به زحمتکشان پیام واحدی می دهند:

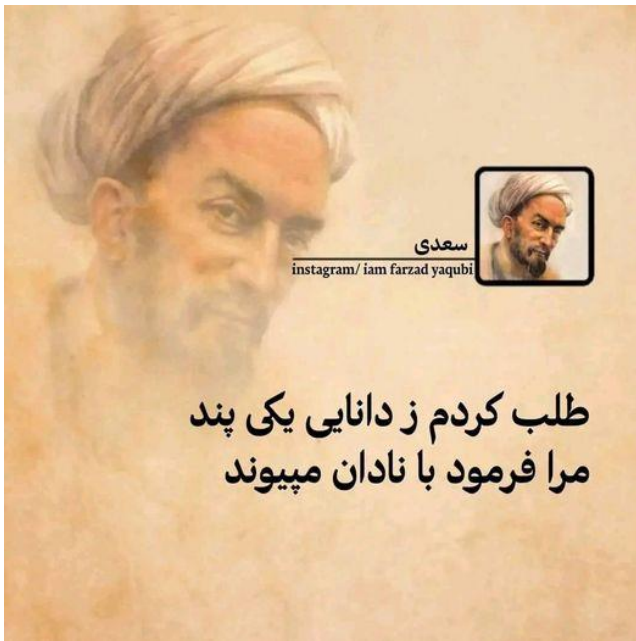
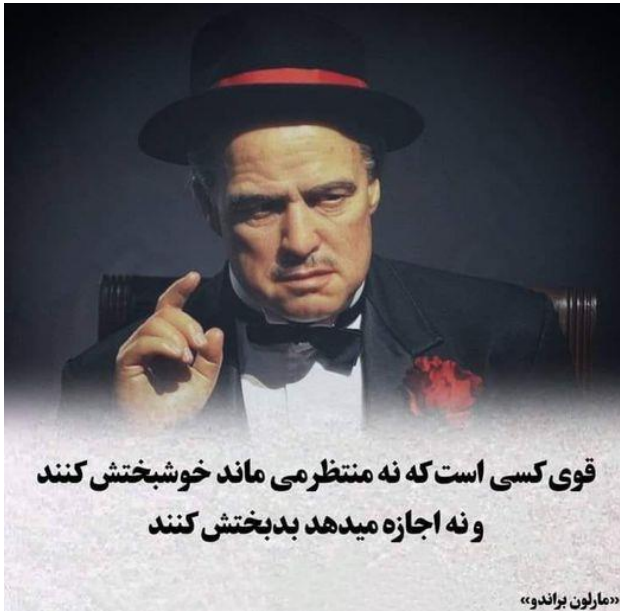
جز زحمتکشان به هیچکس نباید امیدوار بود. باید با سازماندهی اعتراضات و ایجاد تشکیلات سندیکایی هر روزه به مراقبت از اندوخته هایمان پردازیم.

باید هر روزه مافیای نئولیبرال و سیاست هایش را با اعتراضات متحدانه از اندوخته هایمان دور نگه داریم.

نی وکیلان نی وزیران بهر کارگر

هیچکس دادرس نیست. (پایان)

بازنشستگان متحد تهرانی (فلزکار، بافنده، چاپ، شهاب خودرو)





زیباترین جنگ، جنگی است که اسلحه
آن کتاب‌ها، رهبران آن دانشمندان و
قربانی‌های آن، جهل و عقب‌ماندگی
باشد.